

هشداررسانی؛ ضابطه‌ی اصلی رفع مسئولیت در پیشگیری وضعی خطرناک از جرم

علی صفاری* راضیه صابری**

(تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۴ تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲۲)

چکیده:

در مقاله‌ی حاضر، شرط ضرورت هشداررسانی به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های ضروری اتخاذ تدابیر پیشگیری وضعی بررسی می‌شود. شرط هشداررسانی تحت دو عنوان کلی مورد تبیین قرار می‌گیرد. ابتدا ضرورت هشدار دادن از منظر فقهی، حقوق بشری و جرم‌شناسی بررسی شده، سپس این ضرورت به همراه شرایط آن جهت دستیابی به شیوه‌ی هشداررسانی مناسب، در نگاه افراد عادی، کارشناسان و بزه‌کاران مورد سنجش قرار می‌گیرد. به‌عنوان نتیجه‌ی بحث، مطرح خواهد شد که امروزه این مسئله رایج شده که شهروندان عادی تجهیزات پیشگیرانه‌ی خطرناکی را برای حفاظت از املاکشان مورد استفاده قرار می‌دهند. ضروری است دولتی که برای تمام اقدامات شهروندان اقدام به قانون‌گذاری نموده، برای تدابیر مربوط به پیشگیری وضعی نیز وارد عرصه‌ی قانون‌گذاری شود و از این طریق برای این‌گونه اقدامات صورت گرفته از سوی شهروندان حد و مرزی را مشخص نماید. یکی از شروط مهم و پرکاربرد در قلمروی پیشگیری وضعی اصل «هشدار یا اطلاع‌رسانی» به افراد است و به‌موجب این اصل هرکس قبل از اقدام به عملیات پیشگیرانه خطرناک و مهلک به سایرین هشدار دهد، معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. درنهایت جمع‌بندی مطالب نیز در جهت تنظیم ماده‌ی واحده‌ای در مورد پیشگیری وضعی است. کلیدواژگان: پیشگیری وضعی خطرناک، شیوه‌های هشداررسانی، هشداررسانی مناسب، مسئولیت.

* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

** دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی دانشگاه بهشتی (نویسنده مسئول): razihsaberi@yahoo.com

مقدمه؛

در مقاله‌ی «ضوابط حقوقی-جرم‌شناختی پیشگیری وضعی از جرم» (صفاری و صابری، ۱۳۹۳) شرایطی چون ضرورت غیرقانونی بودن تجاوز، لزوم عرفی بودن اعمال ابزارهای پیشگیرانه و ضرورت هشداررسانی برای تعبیه ابزارهای پیشگیری خطرناک بحث شد. توضیحات کامل‌تر پیرامون شرط ضرورت هشداررسانی در صورت اتخاذ تدابیر پیشگیری وضعی خطرناک در این مقاله تقدیم می‌گردد.

آنچه می‌تواند مجوزی برای اعمال پیشگیری وضعی توسط شهروندان عادی در برابر متجاوزان احتمالی باشد، اعمال حق، نظم اجتماعی یا ترکیبی از این دو است. از سوی دیگر همین برقراری نظم اجتماعی و اعمال حق متقابل ایجاب می‌کند که اقدامات پیشگیرانه‌ی شهروندان در مقابل تعرضات ناحق، محدود به شرایط خاصی باشد. در غیر این صورت، دفاع از حق یا اقدامات پیشگیرانه در برابر بزه کاران احتمالی، مستمسکی برای وقوع تعرضات ناحق خواهد شد. همچنین نظر به سکوت قانون‌گذار در باب پیشگیری وضعی و شرایط خاص آن، بحث در اطراف این قضیه اختلافی است و همین امر باعث ایجاد رویه‌های متفاوت و در نتیجه بی‌عدالتی در نظام - عدالت کیفری می‌گردد. بر همین اساس، پیشنهاد شد که با بهره‌گیری از اصول و قواعد فقهی و قواعد حقوق بشری، ضمن توجه به اصول و فلسفه‌ی پیشگیری وضعی و سپس شناسایی شرایط خاص و منحصر به فرد پیشگیری وضعی در نگاه مردم عادی، متخصصان و برخی بزه کاران می‌توان این نقیصه را رفع کرد و به عدالت در نظام کیفری نزدیک‌تر شد.

به همین منظور، لازم است مبانی توجیه‌کننده‌ی این شرط و کیفیات لازم و کافی برای یک اطلاع‌رسانی مفید و مؤثر از لحاظ نظری و میدانی مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین، مقاله دارای دو قسمت نظری و میدانی است که مستلزم به‌کارگیری دو روش تحقیق است. ابتدا با بررسی منابع در کتابخانه، مبانی نظری بحث تبیین و تحلیل شده، سپس با روش پیمایشی کم و کیف آن‌ها ارزیابی شده‌اند. جامعه‌ی آماری که در تابستان ۱۳۹۲، مورد بررسی واقع شده، مردان و زنان

در یکی از مناطق شهر تهران به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند تا میزان تمایل آن‌ها به رد یا قبول شرایط پیش‌بینی شده برای پیشگیری وضعی ارزیابی گردد. گروه نمونه شامل ۱۳۲ نفر است که تعدادی از آن‌ها محکومین به حبس در زندان مرکزی مشهد می‌باشند، چون هماهنگی با مسئولین جهت پخش پرسش‌نامه در یکی از زندان‌های تهران میسر نگردید.

به‌طور کلی همان‌طور که در جدول شماره‌ی یک آمده، از مجموع ۱۳۲ پرسش‌نامه، ۳۱ عدد توسط کارشناسان، متشکل از اساتید، قضات و وکلای دادگستری، ۳۱ عدد توسط محکومین به جرم سرقت و ۷۰ مورد توسط افراد عادی که خود در مواردی بزه‌دیده بودند، تکمیل گردیده است. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته می‌باشد که بر اساس مقیاس لیکرت ۱ ساخته شده است. در حقیقت، در بررسی‌های میدانی، برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، اقدام به تهیه و تکمیل پرسش‌نامه در بین جامعه‌ی آماری موردنظر با مصاحبه و مشاهده همراه شد که مهم‌ترین بخش مطالعات میدانی است. پرسش‌نامه دارای ۲۲ سؤال می‌باشد که شیوه‌ی نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس رتبه‌ای (به‌شدت موافقم؛ موافقم؛ مخالفم؛ به‌شدت مخالفم؛ تصمیم نگرفته‌ام، احتمالاً موافقم؛ تصمیم نگرفته‌ام، احتمالاً مخالفم)، می‌باشد. اعتبار پرسش‌نامه‌ها از طریق آزمون-آلفای کرونباخ^۱، ۸۵ درصد به دست آمد. بر اساس فرمول کوکران^۳ از میان جامعه آماری، ۱۳۲

۱. مقیاس لیکرت یکی از رایج‌ترین مقیاس‌های اندازه‌گیری در تحقیقاتی است که بر اساس پرسش‌نامه انجام می‌شود و توسط رنسیس لیکرت (۱۹۰۳-۱۹۸۱) ابداع شده است. در این مقیاس یا طیف محقق با توجه به موضوع تحقیق خود، تعدادی گویه را در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌دهد تا براساس گویه‌ها و پاسخ‌های چندگانه، میزان گرایش خود را مشخص کنند (سلیمی، ۱۳۸۷: ۶۰-۴۱).

۲. ضریب آلفای کرونباخ توسط کرونباخ ابداع شده و یکی از متداول‌ترین روش‌های اندازه‌گیری اعتمادپذیری و یا پایداری پرسش‌نامه‌ها است. منظور از اعتبار یا پایداری پرسش‌نامه این است که اگر صفت‌های موردسنجش با همان وسیله و تحت شرایط مشابه و در زمان‌های مختلف مجدداً اندازه‌گیری شوند، نتایج تقریباً یکسان حاصل شود. این آزمون برای ارزیابی قابلیت اعتماد یا پایداری پرسش‌نامه‌ای که به‌صورت طیف لیکرت طراحی شده و جواب‌های آن چندگزینه‌ای است، به کار می‌رود (www.azinpajoohesh.ir).

۳. فرمول کوکران یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای محاسبه حجم نمونه آماری است که فرمول آن بدین شرح است:

نفر به عنوان نمونه به دست آمد. پس از نهایی شدن پرسش نامه و انتخاب جامعه‌ی نمونه و جلب رضایت افراد نمونه، توضیحاتی به افراد برای اطمینان بیشتر و عدم سوء گیری در پژوهش داده شد و پرسش نامه‌ها بدون نوشتن نام افراد تکمیل گردید و در نهایت، داده‌ها و اطلاعات حاصله، جهت آزمون فرضیات از طریق نرم افزار Excel استخراج شد.

		بزه‌کار					افراد عادی					کارشناس				
ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۱	۲	۳	۴	۵	۱	۲	۳	۴	۵
۱	تعداد پاسخ دهنده	۰	۰	۰	۰	۰	۳۷	۳۳	۰	۲	۶۷	۱۳	۵۷	۱۱	۱۹	۲
۲	تعداد پرسش نامه تکمیل شده	۰	۰	۰	۰	۰	۳۷	۳۳	۰	۲	۶۷	۱۳	۵۷	۱۱	۱۹	۲
۳	درصد تکمیل پرسش نامه	۰٪	۰٪	۰٪	۰٪	۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪

جدول ۱- ویژگی‌های فردی پاسخ گویان

هر یک از ستون‌های جدول شماره (۱) تعداد پاسخ دهندگان و نسبت آنان از حیث ویژگی‌هایی همچون جنسیت، سن و تجربه بزه دیدگی را نشان می‌دهد. تقسیم‌بندی سنی به جوان، میان سال و پیر بر اساس رده‌های سنی ۲۰-۴۰ سال، ۴۰-۶۰ و ۶۰ سال به بالا صورت گرفته است. پرسش نامه‌های مربوط به افراد عادی به منظور دست‌یابی به نظرات طیف گسترده‌تری از مردم، توسط دانشجویان که از نقاط مختلف کشور در تهران تحصیل می‌کنند، تکمیل شده است. در مورد کارشناسان به سبب ضیق وقت آن‌ها، تکمیل بیش از این تعداد پرسش نامه امکان پذیر نبود. در مورد محکومان نیز، با وجود میل و رغبت برای تکمیل تعداد بیشتری از این پرسش نامه‌ها توسط آنان، به سبب وجود مقررات دست‌وپا گیر برای ملاقات با زندانیان و حتی تکمیل پرسش نامه

$$n = \frac{\sum p_i q_i}{d^2} \left(1 + \frac{1}{N} \left(\frac{\sum p_i q_i}{d^2} - 1 \right) \right)$$

توسط آنان، تکمیل پرسش‌نامه‌های بیشتری میسر نبود و حتی تکمیل همین تعداد، با مشکلات عدیده‌ای روبرو گردید و وقت زیادی را به خود اختصاص داد. همان‌طور که در جدول شماره یک مشاهده می‌شود یکی از ستون‌های اختصاص داده‌شده به آن، مربوط به سابقه‌ی بزه‌دیدگی یا عدم بزه‌دیدگی است. لذا در ادامه، جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که از میان پاسخ‌دهندگان که تجربه‌ی بزه‌دیدگی داشته‌اند چه تعداد با دستگیری یا مجازات بزه‌کار یا عدم آن، واکنش مثبت یا منفی پلیس و اتخاذ یا عدم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه روبرو بوده‌اند.

افراد عادی							کارشناس								
عدم اتخاذ تدابیر	اتخاذ تدابیر پیشگیرانه	واکنش منفی پلیس	واکنش مثبت پلیس	عدم مجازات	مجازات بزه‌کار	عدم دستگیری	دستگیری بزه‌کار	عدم اتخاذ تدابیر	اتخاذ تدابیر پیشگیرانه	واکنش منفی	واکنش مثبت	عدم مجازات	مجازات بزه‌کار	عدم دستگیری	دستگیری بزه‌کار
۲۳	۸	۲۱	۵	۲۷	۴	۲۷	۶	۱۰	۹	۱۴	۳	۱۵	۱	۱۲	۷
=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=
%۷۰	%۲۴	%۶۴	%۱۵	%۸۲	%۱۲	%۸۲	%۱۸	%۵۳	%۴۷	%۷۴	%۱۶	%۷۹	%۱۱	%۶۳	%۳۷

جدول ۲: وضعیت بزه‌کاران پس از ارتکاب

باید دقت نمود که با توجه به درصد بزه‌دیدگی صفر بزه‌کاران بر اساس جدول شماره (۱)، در جدول شماره (۲)، ستون مخصوص بزه‌کاران تعریف نشده است.

بنابر مراتب و با توجه به اینکه در خصوص چرایی و دلیل ضرورت هشدار دادن ادله‌ی فراوانی را می‌توان بیان نمود که هرکدام از این ادله می‌تواند دلیلی بر ارزش و حجیت مفاد این شرط باشد و از سوی دیگر لازم است شرایطی فراهم باشد تا بتوان ادعا کرد هشداررسانی در مورد اقدامات

مربوط به پیشگیری وضعی به شکل صحیحی انجام شده و بر اساس آن حکم به عدم مسئولیت هشداردهنده داد، در این مقاله تلاش گردیده تا ضمن تحلیل دقیق و همه‌جانبه به مبنا و چرایی شرط هشداررسانی در پیشگیری وضعی و همچنین فنون یک هشدار مناسب اشاره شود. لذا مطالب، در دو قسمت تحت عنوان بایستگی هشدار دادن و شرایط هشدار دادن در پیشگیری وضعی تقدیم خوانندگان می‌گردد. در هر قسمت مبانی نظری مربوط و دلایل موافقین و مخالفین آن‌ها و نیز ارزیابی هر یک بر اساس تحقیقات انجام شده و مستخرج از پرسش‌نامه‌های محقق ساخته بررسی می‌شود. نتیجه اینکه یکی از شروط مهم و پر کاربرد در قلمروی پیشگیری وضعی اصل «هشدار یا اطلاع‌رسانی» به افراد است. به موجب این اصل هر کس قبل از اقدام به عملیات پیشگیرانه خطرناک و مهلک به سایرین هشدار دهد، معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. همچنین، نظر به اینکه با تنظیم یک ماده واحدی دقیق در زمینه‌ی پیشگیری وضعی هم می‌توان از تعارضات در صدور احکام توسط دادگاه‌ها جلوگیری کرد و هم عدالت را در دستگاه کیفری ناب‌تر ساخت، در انتهای نتیجه‌گیری ماده واحدی به عنوان پیشنهاد ارائه شده است.

۱. بایستگی هشدار دادن؛

بی‌شک یکی از شروط مهم و کاربردی در قلمروی پیشگیری وضعی اصل «هشدار یا اطلاع-رسانی» است. بر اساس این شرط نه تنها تأثیرگذاری اقدام پیشگیرانه تأمین و حتی بیشتر می‌شود، بلکه از لحاظ حقوقی نیز هر کس قبل از اقدام به عملیات پیشگیرانه به‌ویژه از نوع خطرناک و مهلک به سایرین هشدار دهد، معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. در خصوص ضرورت حقوقی و جرم‌شناسی این شرط، ادله‌ی فراوانی را می‌توان بیان نمود که هر کدام از این ادله می‌تواند دلیلی بر ارزش و حجیت این شرط باشد. اهم این دلایل را می‌توان به شرح ذیل مورد بررسی قرار داد.

۱-۱. بایسته‌های فقهی؛

نقش و تأثیر قواعد فقه و گستره‌ی آن در نظام حقوقی ایران و اهمیت و کارآمدی آن را به‌ویژه با توجه به اصول ۴ و ۱۶۷ قانون اساسی نمی‌توان نادیده گرفت. برای حل مشکلات نظام حقوقی، لازم است به مبانی و متون فقه اسلامی مراجعه شود. انصاف این است که در متون اسلامی و فقه قواعدی وجود دارد که توجه به آن‌ها و اهتمام به کاربردی نمودنشان در رویه‌ی جاری نظام حقوقی - قضائی ایران، می‌تواند مشکل‌گشا بوده و حتی از حجم پرونده‌های انباشته در نظام قضایی بکاهد. در همین زمینه، یکی از قواعد کاربردی که می‌تواند فرا روی قاضی در استنباط حکم قضیه حسب مورد در دعاوی حقوقی یا کیفری باشد، «قاعده‌ی تحذیر» است.

به‌موجب این قاعده هر کس قبل از اقدام به عملیات خطرناک و مهلک به سایرین هشدار دهد، در صورت وجود شرایط لازم معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود.

مبنای قاعده‌ی تحذیر در فقه روایت معروفی است که از امام صادق (ع) نقل گردیده و در آن، عبارت معروف حضرت علی (ع) «قد أعذرَ من حذر» آمده است که از نظر محتوا و دلالت و همچنین از جهت سند و مدرک نیز قوی و خالی از ضعف است (طباطبایی، ۱۴۲۹ هـ ق: ۴۸۸؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ هـ ق: ۶۹؛ ابوجعفر کلینی، ۱۴۲۹ هـ ق: ۳۳۱؛ ابن‌براج طرابلسی، ۱۴۰۰ هـ ق: ۵۱۵؛ صباح مشهدی، ۱۳۸۵: ۱۳).

در برخی از کتب فقهی در تفسیر قاعده‌ی «أعذر من حذر» چنین آمده که رفع مسئولیت با تحذیر در صورت ایجاد محیط خطرناک ناظر به فرضی است که خود شخص مالک ایجادکننده - ی خطر نباشد و الا اگر ملک شخصی باشد، با ایجاد محیط خطرناک نیازی به هشدار نیست و در این صورت نسبت به شخصی که بدون اذن به ملک وارد شده و خسارت دیده، ضمانتی بر عهده‌ی مالک قرار نمی‌گیرد (جمعی از نویسندگان زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ هـ ق: ۵۸۵).



بررسی‌ها نشان می‌دهد که مبنای نظر فوق به حدیث معروف امام صادق (ع) در رابطه با عدم ضمان حافر چاه در ملک خویش، نسبت به شخص غیر مأذون بازمی‌گردد. یکی از فقها این گونه استدلال نموده‌اند، «همان‌طور که اگر شخصی بدون اذن مالک در ملک وی وارد شود و در چاه حفر شده در ملک او سقوط کند، باعث ضمان مالک نمی‌شود، در مورد حدیث مربوط به ضمان رامی در بیان قاعده‌ی تحذیر نیز، چنانچه مالک در ملک خود اقدام خطرناک را انجام داده و دیگری بدون اذن به ملک او وارد شود و از جانب مالک نیز تحذیری صورت نگرفته باشد، موجب مسئولیت مالک نیست» (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ هـ. ق: ۷۱). هرچند مبنای حدیث امام صادق (ع) که دلیل صدور این نظر شده و توضیحات و ایرادات تفسیری وارد بر آن، در مقاله‌ای تحت عنوان «نقد عدم تحدید حق پیشگیری وضعی در پرتو قواعد فقهی و حقوقی» (صفاری و صابری، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۱۵) توضیح داده شده، اما لازم به یادآوری است که در این زمینه دیدگاه مخالف نیز وجود دارد. مطابق این دیدگاه، اقدامات خطرناک ولو در ملک شخصی، باید با هشدار از جانب مالک انجام شود. چه در غیر این صورت اگر قتلی واقع شود خطای محض است و ضمان بر عهده‌ی عاقله قرار می‌گیرد؛ یعنی همان مسئولیتی که برای غیر مالک وجود دارد، در مورد مالک نسبت به ملک شخصی خود نیز صادق است (نجفی (صاحب جواهر)، ۱۴۰۴ هـ. ق: ۶۹).

با تصویب ماده‌ی ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و جایگزینی آن با ماده‌ی ۳۳۹ قانون مجازات سابق، حتی مالک نسبت به اقدامات صورت گرفته در ملک خویش نسبت به شخص غیر مأذون می‌تواند مسئول شناخته شود و آن در صورتی است که صدمه یا تلف به علت اغواء، سهل‌انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد. در چنین حالتی با استنباط از متن تبصره‌ی یک این ماده، اطلاع‌رسانی کامل و صحیح، از جمله ابزارهای مفید برای رفع ضمان از مالک تلقی می‌شود.

علاوه بر مبنای شرعی، قاعده‌ی تحذیر با مبنای عقلی نیز هماهنگ است، زیرا عقلای عالم، هشداردهنده‌ای را که با رعایت جانب احتیاط، به طرف مقابلش که در معرض آسیب از جانب اوست، هشدار می‌دهد ضامن نمی‌شناسند (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۵؛ محقق داماد، ۱۳۷۱: ۱۲).

این قاعده با کارکرد بسیار حساس و پیشگیرانه‌ی آن، قلمروی بسیار گسترده و مصادیقی غیرقابل احصا دارد. به طوری که در هر موقعیت، زمان و مکانی که زمینه یا احتمال خطر و تهدید برای سلامتی، جان یا مال انسان در آن وجود داشته باشد، کاربرد دارد؛ بنابراین در صورت به-کاربردن وسایل خطرناک، اما مشروع و قانونی که در قالب پیشگیری وضعی برای حفاظت از منازل یا هر جای دیگر استفاده می‌شود، مالک بر اساس قاعده‌ی تحذیر و با هشدار دادن مبنی بر به کار برده شدن این گونه تجهیزات خطرناک، می‌تواند بار مسئولیت را از دوش خود بردارد.

لزوم اطلاع‌رسانی در هنگام به کارگیری تجهیزات محافظتی غیرقابل رؤیت در برخی استفتائات نیز مورد تأکید قرار گرفته که دو نمونه‌ی آن عیناً نقل می‌شود. اولین استفتا مربوط به بحث ضامن در برابر تلف کردن حیوان به سبب اقدامات پیشگیرانه‌ی مربوط به حفظ مال است و استفتا دوم به طور خاص به قضیه‌ی مورد بحث در این مقاله مربوط است.

استفتای اول:

«شخصی زراعت می‌کند و مرغان خانگی اهل آن قریه زراعت را می‌چینند و از بین می‌برند، صاحب زراعت برای جلوگیری از مرغان، دانه‌ی زهر آلود می‌پاشد و مرغان می‌خورند و می‌میرند، بعضی صاحبان مرغ‌ها را نیز از کار خود باخبر کرده، آیا تاوان آن دسته از مرغان که با زهر از بین می‌روند به گردن صاحب زراعت است؟»

پاسخ: «اگر صاحب‌ملک اعلام کرده باشد مانعی ندارد و ضامن نیست» (تبریزی، ۱۳۷۸: ۲۸۷؛ صانعی، ۱۳۷۶: ۲۷۶؛ علیان‌نژادی، ۱۳۸۵: ۳۸۷).

استفتا دوم:

«با توجه به اینکه امروزه مردم به منظور حفظ اموال خویش از دستبرد سارقین به اعمالی چون تعبیه سیم برق دار در اطراف دیوار منزل خود اقدام می‌نمایند، آیا چنین اعمالی در قالب دفاع مشروع قرار می‌گیرد و لذا باید گفت بر اساس قاعده‌ی تدرّج در دفاع پیش‌نرفته یعنی با اقدامات کمتر هم می‌توانسته از مال خود دفاع کند و بدین ترتیب صاحب ملک در صورتی که فرد چه سارق یا غیرسارق، بدون اذن او از بالای دیوار، به منزل او بیاید و در اثر گرفتار شدن به کابل‌های متصل به برق، دچار برق‌گرفتگی شده و فوت نماید، مسئول و ضامن است؟ یا اینکه بر اساس قاعده‌ی تسلیط مختار است هر اقدامی نسبت به ملک خود انجام دهد و هیچ ضمانتی در برابر غیري که بدون اذن به منزل او وارد شده ندارد؟ و یا شرایط خاص دیگری بر این قضیه حاکم است؟» پاسخ این سؤال که می‌تواند دربرگیرنده‌ی دو شرط برای اقدامات مربوط به پیشگیری وضعی

نیز باشد، بدین شرح است:

اگر «۱- راه دیگری برای جلوگیری از سرقت و دفاع از ملک نباشد؛ ۲- و البته مالک نیز هشدار داده باشد به گونه‌ای که افراد مطلع شوند، در برابر سارق یا غیر او ضامن نیست و مسئولیتی ندارد». لزوم هشداررسانی در هنگام تقویت آماج با استفاده از تجهیزات خطرناکی که قابل رؤیت نیستند، در حفاظت از مرزها نیز مشاهده می‌شود. امروزه جهت حفاظت از مرزها در برابر قاچاقچیان کالا و مواد مخدر و یا حفاظت در برابر گروهک‌های تروریستی، در قالب توسعه‌ی محافظت به عنوان یکی از اشکال و انواع پیشگیری وضعی از میدان مین استفاده می‌شود و در هنگام به کار بردن میدان مین، به جهت اطلاع‌رسانی، حتماً علامت خاصی که بیانگر احتمال خطر مرگ افراد در هنگام ورود به مرز است نصب می‌گردد.

در حقوق انگلستان نیز قاعده‌ای مشابه قاعده‌ی تحذیر برای رفع مسئولیت مشاهده می‌شود. به موجب حقوق این کشور، مالک بر اساس «قوانین مسئولیت متصرفین» مصوب ۱۹۵۷ و ۱۹۸۴ وظیفه‌ی مراقبت نسبت به تمام افرادی که وارد ملک او می‌شوند اعم از مأذون و یا متجاوز را بر

عهده دارد. به موجب (بند ۵) ماده‌ی یک قانون مسئولیت متصرفین ۱۹۸۴ وظیفه‌ی مراقبت در برابر خطر نسبت به متجاوز که برعهده‌ی ساکن قرار می‌گیرد، با برداشتن گام‌های منطقی؛ همانند اخطار یا هشدار دادن به وجود خطر مرتبط می‌تواند از مالک برداشته شود. به موجب (بند ۶) این ماده نیز، مالک با وجود هشدار دادن، نسبت به شخصی که خطرات را آگاهانه می‌پذیرد و اقدام خطرناک را انجام می‌دهد، هیچ وظیفه و مسئولیتی بر عهده ندارد (Cooke, 2001: 173).

در همین راستا پرونده‌ای در سال ۱۹۹۰ مطرح شد که به موجب آن صاحب یک مغازه به علت اینکه مغازه‌ی او طی دو سال، هشت بار مورد سرقت قرار گرفته بود، برای حفاظت از ملک خود اقدام به گزاردن اسلحه به شکل یک تله‌ی مرگ‌بار نمود. به کاربردن این تله منجر به کشته شدن سارق نوجوانی شد که برای سرقت به آن مغازه آمده بود. به حکم دادگاه، شخص مالک به قتل غیر عمد سارق نوجوان محکوم شد. از آن پس بود که صاحبان مغازه‌های اطراف که به تعبیه‌ی چنین تله‌های مرگباری برای حفاظت از ملک خود در برابر سارقان اقدام نموده بودند، جهت رفع مسئولیت از خود به نصب علائم هشداردهنده، مبنی بر به کاربردن چنین تله‌های انفجاری در ساختمان‌های خود پرداختند تا به تبع آن در صورت ورود خسارت جانی به سارق آگاه از وجود خطر، موجب محکومیت آن‌ها به قتل یا سایر خسارات بدنی نگردد (Gardner & Anderson, 2009: 113).

۱-۲. بایسته‌های پیشگیری وضعی؛

پیشگیری وضعی به نوبه‌ی خود به عنوان یکی از اقسام پیشگیری است که نه بر توسعه‌ی جامعه و نهادهای آن، بلکه صرفاً بر کاهش موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم مبتنی است و از این طریق به دنبال بالا بردن تلاش، زحمت و خطر نسبت به سود احتمالی حاصل از جرم و انصراف از آن است.

تأثیر اقدامات پیشگیری وضعی بر کاهش یا حتی متوقف نمودن ارتکاب جرم به سبب رابطه‌ای است که بین پیشگیری وضعی و نظریه‌ی انتخاب عقلانی وجود دارد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

رابطه‌ی نزدیکی که پیشگیری وضعی را به نظریه‌ی انتخاب عقلانی پیوند می‌دهد بر این مبنا است که همه یا اکثر بزه‌کاران، به هنگام ارتکاب جرم با محاسبه خطرات موجود و سود احتمالی تصمیم می‌گیرند که طرح مجرمانه‌ی خود را ادامه بدهند و با این کار در واقع دست به یک انتخاب عقلانی هرچند محدود زده‌اند؛ بنابراین باید فرض کرد که: (۱) انتخاب عقلانی همواره وجود دارد؛ (۲) این انتخاب، انتخابی غالباً آنی است، زیرا با یک اقدام پیشگیری وضعی مؤثر، عقب‌نشینی کاملاً منطقی و محتمل است. (گسن، ۱۳۷۶: ۶۱۸؛ صفاری، ۱۳۸۰: ۳۰۵-۳۰۴؛ شفیعی، ۱۳۸۲: ۴۰).

با لحاظ اینکه در اقدامات ناظر به پیشگیری وضعی سعی می‌شود خطر ارتکاب جرم از دید بزه‌کار احتمالی بالا رود تا در نتیجه‌ی محاسبه‌ی عقلانی از ارتکاب جرم منصرف شود، باید بزه‌کار احتمالی از وجود این‌گونه تدابیر پیشگیرانه که در جهت بالا بردن خطر، تلاش و زحمت ارتکاب جرم اتخاذ گردیده، آگاهی یابد. در غیر این صورت، چنانچه اقداماتی که برای حفاظت از اموال در قالب پیشگیری وضعی صورت می‌گیرد، به گونه‌ای باشد که بزه‌کار احتمالی به راحتی نتواند آن‌ها را مشاهده نموده و از وجود آن‌ها آگاهی یابد؛ عملاً فایده‌ای نداشته و پیشگیری غیر محتمل می‌شود؛ زیرا اقتضای محاسبه‌ی پیشگیری وضعی به عنوان یک خطر، مطلع شدن بزه‌کار احتمالی از وجود این تدابیر و تجهیزات است تا در محاسبه‌ی عقلانی که انجام می‌دهد محاسبه گردد. انجام اقدامات پیشگیرانه‌ای که به راحتی قابل مشاهده نیست و اطلاع‌رسانی نیز از طرف مالک صورت نمی‌گیرد، سبب می‌شود بزه‌کار در محاسبه‌ی عقلانی خود سود حاصل از ارتکاب جرم را نسبت به خطر آن فراوان تلقی کرده و لذا به تصمیم خود در ارتکاب جرم جامه‌ی عمل بپوشاند. گزیده‌ی سخن اینکه استفاده از تجهیزات و تدابیر خطرناک برای پیشگیری نیاز به اطلاع‌رسانی دارد و عدم اطلاع‌رسانی سبب می‌گردد تا احتمال وقوع بالا رفته و حتی به بزه‌کار خسارتی وارد شود. در حالی که هدف در پیشگیری وضعی هیچ‌گاه خسارت زدن به بزه‌کار یا دام‌گستری برای او نبوده بلکه هدف صرفاً بازداشتن او از ادامه‌ی مسیر ارتکاب جرم است و برای رسیدن به این

مهم باید تجهیزات حفاظتی به گونه‌ای نصب گردد که بزه‌کاران احتمالی از وجود آن‌ها اطلاع یابند.

تحقیقات در رابطه با لزوم اطلاع‌رسانی برای پیشگیری از طریق طراحی محیطی (CPTED) که خود یکی از مبانی پیشگیری وضعی را تشکیل می‌دهد، نشان داد که با نصب علائم خطر در قسمت ورودی مکان‌های مسکونی میزان امنیت این مکان‌ها بالا رفته و علائم و تابلوهای مناسب و خبری می‌تواند در ایجاد تصویر مثبت از امنیت در محله کمک کند (هون، ۱۳۸۵: ۱۰؛ ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۳۴).

نتایج حاصل از اجرای برنامه‌ای تحت عنوان «OL» که به شرح تلاش‌هایی می‌پردازد که از شهروندان می‌خواهد تا به‌عنوان راهی برای محافظت، اموال خود را علامت‌گذاری کنند نیز مفید بودن و ضرورت اطلاع‌رسانی را تأیید می‌کند. در این برنامه از شهروندان خواسته می‌شود، به‌عنوان عامل بازدارنده‌ی روانی تابلوهایی را روی پنجره‌ها و مکان زندگی‌شان قرار دهند که به سارقین بالقوه درباره‌ی وجود این برنامه هشدار دهند (خلعتبری، ۱۳۸۴: ۲۳۴). همچنین بنگرید به تأثیر اطلاع‌رسانی بر پیشگیری در پروژه‌ی ناظر به نحوه‌ی کاهش مهاجرت قاچاقی که در آمریکا انجام شده است (کلارک، ۱۳۸۸: ۲۰۷).

نتیجه این که اطلاع‌رسانی به بزه‌کاران احتمالی مبنی بر کاربرد تجهیزات پیشگیرانه، نقش یک عامل بازدارنده‌ی روانی را ایفا می‌کند که در تصمیم‌گیری و محاسبه‌ی عقلانی بزه‌کار تأثیر - گذاشته و این امر است که می‌تواند باعث بازداشتن او از ادامه‌ی مسیر ارتکاب جرم شود.

۳-۱. بایسته‌های حقوق بشری؛

یکی دیگر از مبانی توجیه‌کننده‌ی ضرورت اطلاع‌رسانی در مورد کاربرد ابزارهای پیشگیرانه‌ی خطرناک و خسارت‌زا، قواعد مربوط به رعایت انصاف و عدالت و به‌طور کلی لزوم رعایت موازین حقوق بشری است.

هرچه روابط بین افراد بر مبنای عدالت و انصاف شکل گیرد، برای به دست آوردن آنچه فکر می کنند استحقاق آن را دارند، به خشونت کمتری متوسل می شوند؛ بنابراین اگرچه یکی از بهترین شیوه های تأمین امنیت، پیشگیری با ابزارهای خطرناک است ولی رعایت موازین حقوق بشر موجب معقول تر و عادلانه تر شدن آن می گردد.

بدین ترتیب زمانی که اقدامات راجع به تأمین امنیت و پیشگیری، احساس بی عدالتی یا ضد بشری را برانگیزد، تأثیر کم یا عکس خواهد گذاشت؛ زیرا این نوع از اقدامات ممکن است موجب ناامنی شده و افرادی را به شورش تحریک کند. ضمن اینکه رفتار غیرعادلانه، سرزنش اخلاقی دیگران را نیز به دنبال دارد (ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۳۵).

رعایت حقوق بشر در پیشگیری از جرم در اسناد مختلف پیشگیری نیز به صراحت آمده است. در «ششمین کنگره ی پیشگیری از جرم و اصلاح بزه کاران» با موضوع پیشگیری از جرم و کیفیت زندگی که برای اولین بار در یک کشور در حال توسعه، در سال ۱۹۸۰، در شهر کاراکاس، تشکیل گردید، رعایت نُرْم ها و رهنمودهای سازمان ملل در مبارزه علیه بزه کاری توصیه شد. «هشتمین کنگره ی سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین» نیز در ارتباط با جرائم - انفورماتیک، قطعنامه ای تصویب کرد که در آن دولت ها به اتخاذ تدابیری در جهت بهبود امنیت پایدار، پیشگیری، حمایت از حریم خصوصی، رعایت حقوق بشر و آزادی های بنیادین دعوت شدند (ابراهیمی (الف)، ۱۳۹۰: ۵۲).

این کنگره ها، با تدوین قواعد هنجاری و قابل اجرا در واقع نوعی قانون گذاری نموده اند؛ هرچند اکثریت اسناد و قطعنامه هایی که توسط نهادهای مختلف سازمان ملل تصویب شده «اسناد غیر الزام آور» است؛ ولی با این وجود، بیش از پیش در معاهدات و نیز حقوق بین الملل عرفی استفاده و به کار گرفته می شود. این اسناد که نتیجه ی پنجاه سال فعالیت است، می تواند به عنوان یک «مجموعه قوانین» کامل از حوزه هایی که امکان توافق حداکثری در مورد آن وجود داشته، قلمداد گردد. پیام مشترک این اسناد این است که تعهد دولت ها به پیشگیری مطلق نیست (ابراهیمی،

۱۳۸۴: ۳۷۴-۳۵۵)؛ یعنی سیاست‌های پیشگیری باید از برخی محدودیت‌های حقوقی تبعیت کند. در واقع، هدف پیشگیری ممکن نیست به هر قیمتی حاصل شود؛ برای رسیدن به آن هدف نباید هر وسیله و هر اقدامی را توصیه کرد؛ زیرا هدف هر چند عادلانه باشد، هر وسیله‌ای را توصیه نمی‌کند. در چارچوب حقوق بشر پیشگیری مطلق از خشونت لزوماً مطلوب نیست.

علاوه بر دولت‌ها، هر شخص یا گروه در مقابل جامعه دارای تکالیفی است از جمله آن که نباید به فعالیتی مبادرت ورزد که هدف یا نتیجه‌ی آن مخدوش ساختن حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران است (مواد ۲۹ و ۳۰ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر). این نکته اساسی با عبارتی مشابه در ماده‌ی پنج میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و مواد ۲۷ و ۲۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز تصریح شده است. این مسئله به‌خصوص در ارتباط با حقوق غیرقابل نقض بشر مطرح می‌شود (ابراهیمی (ب)، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

برخی از حقوق که جزء لاینفک حق زندگی و کرامت انسانی است و زمینه‌ی برخورداری از سایر حقوق را فراهم می‌سازد، در هیچ شرایطی قابل نقض نیست (ماده‌ی ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی). خواه این حقوق صراحتاً توسط یک کنوانسیون بین‌المللی حمایت شده باشد، خواه ناشی از حقوق عرفی باشد. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به‌صراحت این «حقوق غیرقابل نقض» را برمی‌شمارد؛ مانند حق مورد آزار و شکنجه یا رفتارهای ظالمانه یا غیرانسانی یا ترذیلی قرار نگرفتن (ماده ۷)، حق عدم بردگی (ماده ۸)، ممنوعیت عطف به‌ما سبق شدن قوانین کیفری (ماده ۱۵).

همچنان که نمی‌توان برای توجیه شکنجه و سایر-کیفرها، رفتارهای وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده، به اوضاع و احوال استثنایی مانند جنگ، تهدیدات امنیت، بی‌ثباتی داخلی یا هر نوع حالت فوق‌العاده متوسل شد؛ زیرا این اقدامات خلاف کرامت انسانی محسوب شده و باید به‌عنوان یکی از موارد نقض و انکار اهداف منشور، نقض حقوق بشر و آزادی‌های مندرج در اعلامیه‌ی

جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق بشر محکوم گردد (ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۱۸۳). پیشگیری نیز ولی نباید ناقض حقوق پیش گفته باشد.

بنابراین با توجه به لزوم رعایت موازین حقوق بشر، اقدامات ناظر به پیشگیری وضعی چه از طرف دولت و چه از سوی افراد عادی باید به گونه‌ای تحقق یابد که انصاف و عدالت و موازین حقوق بشر که مهم‌ترین آن‌ها حق بر حیات است و جزء حقوق غیرقابل نقض محسوب می‌شود، رعایت گردد. برای رعایت این قواعد لازم است، چنانچه اعمال ابزارهای پیشگیرانه همچون تعبیه‌ی کابل‌های برق از لحاظ عرف محلی تنها راه چاره برای حفظ امنیت است، مالکی که از چنین سیستمی برای حفاظت از ملک خود استفاده کرده به لحاظ حفظ حیات دیگری حداقل نسبت به اطلاع‌رسانی در مورد اتخاذ چنین تدابیری اقدام نماید تا بزه کار احتمالی از به‌خطرافتادن حیات و زندگی خود در صورت اقدام به ارتکاب جرم نمودن آگاهی یابد. اگر باوجود اطلاع و آگاهی از این امر بازهم در تصمیم خود برای ارتکاب جرم اصرار داشته باشد بر اساس قاعده‌ی اقدام، به ضرر خویش قدم برداشته و دیگری را که رعایت تمامی جوانب و قواعد حقوق بشری را نموده نمی‌توان مسئول دانست.

تا اینجا مبانی نظری ضرورت اطلاع‌رسانی در پیشگیری وضعی تبیین گردید. در قسمت بعد شرایط اطلاع‌رسانی با نظرسنجی از سه گروه افراد درگیر با موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. البته قبل از ورود به بحث دیگر لازم است با ارائه‌ی جدول و نمودار (که در ذیل آمده)، درصد موافقان و مخالفان شرط هشداررسانی نمایش داده و به شکل مختصر علل مخالفت با این شرط که از سوی پرسش‌شوندگان به‌دست آمده ذکر و تا حد امکان پاسخ داده شود.

جدول ۳ و ۴- موافقان و مخالفان شرط ضرورت هشداررسانی

کارشناس		افراد عادی						برهنگار	
زن	مرد	میانسال	جوان	بزرگسال	بزه دیدگی	علم بزه دیدگی	تولد	جوان	میانسال
موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف
۱۶	۳۱	۱۱	۳	۴	۱۰	۱	۱۷	۱۱	۱

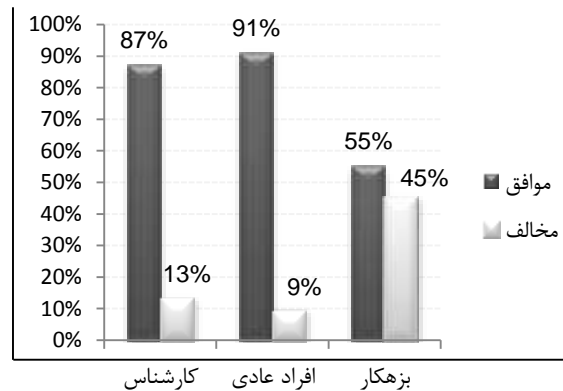
(جدول ۳)

کارشناس		افراد عادی											
زن	مرد	میانسال	جوان	بزرگسال	بزه دیدگی	علم بزه دیدگی	تولد	جوان	میانسال	بزرگسال	میانسال	جوان	بزرگسال
موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف
۳	۴	۱۱	۳	۴	۱۰	۱	۱۷	۱۱	۳	۴	۱۰	۱	۱۷

(جدول ۴)

ارزیابی جامعه‌ی آماری این مقاله نشان می‌دهد که تعداد اندکی با شرط ضرورت هشداررسانی مخالفت نموده‌اند. همان‌طور که در نمودار شماره (۱) نشان داده شده درصد مخالفین در بین کارشناسان، افراد عادی و بزه‌کاران به ترتیب ۱۳ درصد، ۹ درصد و ۴۵ درصد است. تعداد مخالفان در بین کارشناسان و افراد عادی نسبت به موافقین بسیار اندک است؛ در مقابل، بزه‌کاران هرچند با یک تناسب مشابه با لزوم هشدار دادن مخالفت بیشتری نسبت به دو گروه دیگر نشان داده‌اند که جای تعجب دارد.

نمودار شمار (۱): موافقان و مخالفان شرط ضرورت هشداررسانی



از یک سو، علت مخالفت بزه کاران با هشداررسانی را باید در شرط دیگر پیشگیری وضعی، یعنی ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه جست و جو کرد (صفاری و صابری، ۱۳۹۳: ۱۷۳-۱۶۳). در این مقاله آمد که از میان ۳۱ نفر بزه کار، حدود ۱۲ نفر مخالف و ۱۹ نفر موافق شرط ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه بودند. با بررسی در پرسش نامه‌ها این مسئله حاصل گردید که از میان ۱۴ نفر مخالف شرط ضرورت هشداررسانی (به جدول شماره ۳ مراجعه شود)، ۱۲ نفر آن‌ها دقیقاً همان کسانی هستند که با شرط ضرورت عرفی نیز مخالفت نموده‌اند و تنها دو نفر علی‌رغم موافقت با شرط ضرورت عرفی، مخالفت خویش را با شرط هشداررسانی اعلام کرده‌اند. مسئله‌ی فوق می‌تواند نشانگر این امر باشد که مخالفین شرط ضرورت عرفی از آنجا که اساساً با به کار بردن ابزارهای پیشگیرانه مهلک که ممکن است در آینده‌ای نزدیک حتی حیات خود آنان را به خطر اندازد، مخالف بوده‌اند، دیگر به شرط بعدی که ناظر به اطلاع‌رسانی استفاده از چنین ابزارهای مهلکی است، هیچ توجهی نکرده و پاسخ منفی خود را ابراز داشته‌اند؛ بنابراین با لحاظ اوصاف مذکور، تنها دو نفر از بزه کاران به‌طور واقعی مخالف شرط هشداررسانی بوده و در مقابل اکثر آنان، یعنی ۱۷ نفر، موافقت خود را با این شرط اعلام نمودند.

از سوی دیگر، تنها دلیل ارائه‌شده از سوی مخالفین با ضرورت هشداررسانی در دو گروه کارشناسان و افراد عادی این بود که در جهت اصل غافل‌گیری مهاجم و ضرورت مؤثر و مفید بودن و کارایی داشتن اقدامات پیشگیرانه، هیچ اطلاع‌رسانی به بزه‌کار بالقوه نباید صورت پذیرد؛ زیرا هشداررسانی مبنی بر به‌کاربردن تجهیزاتی چون ابزارهای پیشگیرانه مهلک باعث آگاهی و اطلاع کامل و جامع بزه‌کار بالقوه از تجهیزات شده و سپس وی به دنبال فراگیری راه‌های مقابله با آن می‌رود و در نتیجه هیچ پیشگیری از جرمی حادث نخواهد شد.

ایراد فوق یکی از انتقادات کلی است که از سوی مخالفین رویکرد پیشگیری وضعی ارائه گردیده است. این گروه معتقدند اقدامات ناظر به پیشگیری وضعی تأثیر چندانی در پیشگیری از جرم نخواهد داشت؛ زیرا با انجام این اقدامات ریشه‌ی اصلی جرم یا انگیزه‌ی ارتکاب آن، از بین نرفته بلکه وقوع آن در زمان و مکان خاصی، ممتنع شده است؛ لذا وقوع آن در زمان و جای دیگری و یا به طریق دیگر ممتنع نیست. مثلاً هیل و لی کک (Heal & Laycock, 1998:236) بیان می‌دارند که حلقه‌ی مفقوده در رویکرد وضعی مبتنی بر «انتخاب معقول یا حسابگرانه» (245) آن‌طور که کرنیش و کلارک مدعی‌اند، مسئله‌ی انگیزه مرتکبین است. به بیان دیگر، وقتی شخصی با انگیزه‌ای قوی تصمیم به ارتکاب جرمی می‌گیرد، محافظت هدف مورد نظرش نمی‌تواند او را از ارتکاب جرم منظور، منصرف سازد بلکه به احتمال زیاد، به دنبال راه‌حل جانشینی خواهد رفت. کلارک (Clark, 1992: 68) در پاسخ به طرح این‌گونه مسائل چنین استدلال می‌کند که اشتباه در این است که میزان تأثیر روش‌های موضعی با انگیزه ارزیابی می‌شود؛ چراکه نتیجه‌ی موفقیت‌آمیز در هر جرمی حتی در مواردی که مرتکب، تصمیم به ارتکاب آن گرفته، رابطه‌ی تنگاتنگی با موجود بودن فرصت یا روش انجام آن و حتی طبیعت آن دارد.

از سوی دیگر، کلارک و کرنیش (Cornish & Clark, 1986:1995) در پاسخ به این ایراد می‌گویند: در برداشت‌های جبری از رفتار انسانی مبتنی بر نیازهای درونی فرد (مثل نظریات فروید ۱۹۴۰ و لرنز ۱۹۶۶) یا مبتنی بر مسائل زیستی و ارثی یا مبتنی بر یادگیری در دوران صغر، جرم،

محصول غیر قابل اجتناب عوامل درونی و بیرونی است (نوربها، ۱۳۸۶: ۴۸؛ کی‌نیا، ۱۳۸۸: ۵۳)، لذا جابه‌جایی جرم اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. باین وجود، در نظریه‌ی انتخاب عقلانی، جابه‌جایی جرم محصول تصمیم آگاهانه مرتکب فرض می‌شود؛ زیرا او با اراده و نیت خود، سود و زیان جرائم جانشین یا اهداف جانشین را خواهد سنجید. در نتیجه جابه‌جایی در مواردی که این محاسبه، به سود مجرم باشد، ممکن است (فقط ممکن است و حتمی نیست) رخ دهد و در سایر موارد حتماً چنین خواهد شد.

لازم است اضافه نمود که حتی اگر جابه‌جایی در چنین مواردی رخ دهد، باز می‌توان پیشگیری را موفق دانست؛ زیرا ارتکاب جرم به تأخیر می‌افتد و دراثناى این تأخیر، امکان بروز هزارویک اتفاق وجود دارد که نتیجه‌ی هریک از آن‌ها جز پدیده‌ی جابه‌جایی، می‌تواند پیشگیری یا در حکم آن باشد. همچنین صرف تأخیر می‌تواند از نظر اجرایی برای مجریان یک منطقه (پلیس)، موفقیت محسوب گردد؛ چیزی که با اعمال رویکردهای دیگر قابل حصول نیست و یا حداقل قابل محاسبه نیست (صفاری، ۱۳۹۱: ۱۵۴؛ بابایی، ۱۳۹۰: ۱۶۱؛ گزارش خبری- تحلیل پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی، ۱۳۹۰: ۱۱).

در نهایت باید اشاره نمود که میزان اندک جابه‌جایی هم که ممکن است رخ دهد و به تبع آن جرم حادث گردد، واقعییتی انکارناپذیر است؛ زیرا هیچ فرد یا تئوری، مدعی براندازی و حذف کامل جرم از جامعه نبوده و نمی‌تواند باشد. آنچه مورد ادعاست و قابل حصول، این است که می‌توان با اعمال روش‌های بهینه و عملی‌تر، میزان جرائم را کاهش و یا میزان خسارت ناشی از آن را تقلیل داد؛ زیرا هیچ جامعه‌ای بدون جرم، قابل تصور نیست و به قول دورکهایم، اگر جامعه‌ای از قدیسین را در نظر بگیریم، حتی در بین آن‌ها نیز خطاهایی، به وقوع می‌پیوندد که با معیارهای حاکم بر جمع آنان، تخلف و جرم محسوب می‌شود. لذا جامعه‌ی بدون جرم با معیارهای دنیوی قابل تصور نیست ولی جامعه‌ای با جرم کمتر و جرائم خفیف‌تر، امکان‌پذیر و قابل دستیابی است (صفاری، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

۲. شرایط هشدار دادن؛

صرف نظر از برخی مخالفت‌های جزئی با هشداررسانی در پیشگیری وضعی، از آنجاکه هشدار در نظر اکثر سوژه‌های تحقیق لازم و مفید اعلام شده و از نظر حقوقی نیز رفع مسئولیت قانونی کاربران ابزارهای پیشگیری وضعی از ایراد صدمات مالی و جانی به متجاوزین به اموال خویش در گروهی آن است، لذا شرایط لازم برای اینکه هشدار در عمل نیز ضمانت را از عهده کاربران ذکر شده بردارد به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند:

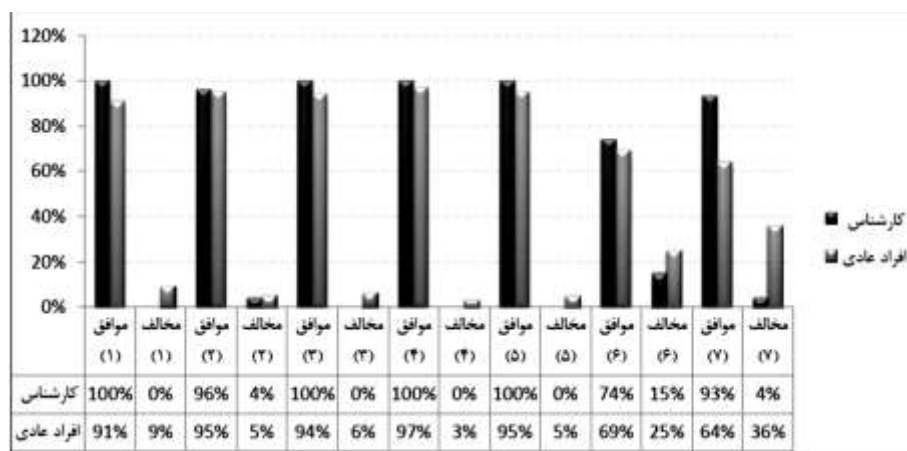
۲-۱. مشروعیت رفتار؛

مشروعیت رفتار شامل مشروعیت عمل یا ترک عمل در مکان مباح است. منظور از واژه‌ی «مشروعیت» قانونی بودن است و اگر گفته شود شرط مشروعیت رفتار اساسی‌ترین شرط هشدار است سخنی به‌گزار نیست، زیرا ابتدا لازم است مجوز قانونی رفتار وجود داشته باشد تا در صورت حصول سایر شرایط، رفع مسئولیت نتیجه گرفته شود (ادریس، ۱۳۷۴: ۱۴۰-۱۳۹). به عبارت دیگر، عمل حرام به‌هرنحو که منجر به خسارت یا صدمه گردد ضمانت‌آور است (قیاسی، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

بین این شرط مربوط به ضرورت اطلاع‌رسانی و شرط ضرورت عرفی به کاربردن ابزارهای پیشگیرانه (صفاری و صابری، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۴۰) ارتباط وجود دارد. در بیان شرط ضرورت عرفی به کار بردن ابزارهای پیشگیرانه اشاره شد اقداماتی که در این قالب صورت می‌گیرد ابتدا باید به گونه‌ای تحقق یابد که خارج از حد متعارف و خلاف اصول قانونی و به‌خصوص قاعده‌ی لاضرر نباشد. پس نوبت به شرط ضرورت اطلاع‌رسانی می‌رسد؛ یعنی زمانی هشدار و اطلاع‌رسانی تعیین‌کننده و به‌عبارتی موجب رفع مسئولیت اعم از کیفری یا مدنی از فرد خواهد شد که اقدامات ناظر به پیشگیری وضعی به شکل مشروع و در حد متعارف باشد.

نتیجه‌ی حاصل از مطالعه بر روی سه گروه جامعه‌ی آماری موردنظر، در باب موافقت یا مخالفت با شرط مشروعیت رفتار، به‌عنوان یکی از اصول هشداررسانی مناسب به شرحی است که

با نگاهی گذرا به جداول (۵) و (۶) و نمودار شماره (۲) و مقایسه آن‌ها با نظر کارشناسان و افراد عادی که مخالف شرط ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه بودند (صفاری و صابری، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۴۰) این نتیجه به دست می‌آید که شرط مشروعیت رفتار به‌عنوان یکی از اصول اطلاع‌رسانی مناسب، به‌نوعی نشانگر شرط ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه محسوب می‌شود. چراکه ویژگی مشروعیت رفتار دال بر آن است که بر هشداررسانی زمانی ترتیب اثر داده می‌شود که اقدامات ناظر به پیشگیری وضعی به شکل مشروع و در حد متعارف باشد.



نمودار (۲): موافقان و مخالفان شروط هشداررسانی مناسب

با وجود این، همان‌طور که مشاهده می‌گردد، علی‌رغم مشترک بودن دو مفهوم ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه و مشروعیت رفتار، تفاوت فاحشی در مورد میزان مخالفین این دو شرط در مورد دو گروه افراد عادی و کارشناسان مشاهده می‌شود. لذا خود این امر، دال بر آن است که مخالفت مردم و کارشناسان، با ضروری دانستن نقش عرف در تشخیص اعمال ابزارهای - پیشگیرانه مهلک و به زبان دیگر، محدود نمودن اطلاق مالکیت آنان نبوده است؛ بلکه مخالفت



آنان به سبب مهلک بودن نفس این ابزارها، به جهت مسائل حقوق بشری و اهمیت حفظ جان است.

شاید همین ابتدا شخصی ظریف ایراد نماید که گفته شد تکمیل کنندگان قسمت مربوط به شرایط هشداررسانی مناسب، اشخاصی بودند که ابتدائاً موافقت خویش را با شرط ضرورت هشداررسانی اعلام نموده‌اند؛ بنابراین، کاملاً طبیعی است که به نسبت مخالفین شرط هشداررسانی، از میزان کل جامعه‌ی آماری کارشناسان و افراد عادی، در هنگام پاسخ‌دهی به شرایط هشداررسانی مناسب کاسته شده و به تبع آمار نیز، تغییر کرده است. به عبارت دیگر، فرض شود تمام جمعیت آماری کارشناسان و افراد عادی، به‌طور ۱۰۰ درصد، در مورد شرط ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه اظهار نظر نموده‌اند. همین تعداد در هنگام پاسخ‌دهی به شرط ضرورت هشداررسانی نیز شرکت داشته‌اند. از این تعداد فرض شود حدود ۳۰ درصد، به‌طور کلی مخالف شرط هشداررسانی بوده‌اند. این تعداد مخالفین در مرحله‌ی پاسخ‌دهی به شرایط هشداررسانی مناسب که شرط مشروعیت رفتار از ویژگی‌های بارز آن محسوب می‌شود، وارد نشده‌اند و چه بسا همین ۳۰ درصد از جمله کسانی بوده‌اند که با شرط ضرورت عرفی نیز مخالفت نموده‌اند و در عین حال به سبب مخالفت ورزیدن با شرط هشداررسانی وارد مرحله تصمیم‌گیری در رابطه با مشروعیت رفتار، به‌عنوان یکی از اصول هشداررسانی مناسب و مفهومی مشابه شرط ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه نشده و به تبع از اعداد آمار خارج گردیده‌اند؛ بنابراین با لحاظ این سخنان، دیگر نمی‌توان کاملاً بر نتیجه‌گیری فوق اطمینان حاصل نمود.

در پاسخ باید گفت، ایراد فوق اگرچه به‌ظاهر صحیح است ولی به نظر وارد نمی‌رسد. با دقت در نمودار شماره (۱) و (۲) و مقایسه‌ی آن با نظرات کارشناسان و افراد عادی (به ترتیب ۳۲ درصد و ۲۶ درصد) که مخالف شرط ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه بوده‌اند (صفاری و صابری، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۴۰) این نتیجه حاصل می‌گردد. طبق نمودار شماره (۱)، مخالفین شرط ضرورت هشداررسانی در میان کارشناسان و افراد به ترتیب ۱۳ درصد و ۹ درصد است. اگر

فرض شود (و تنها فرض شود)، تمام کسانی که مخالف شرط ضرورت هشداررسانی بوده، هم-زمان با شرط ضرورت عرفی نیز مخالفت خویش را اعلام نموده‌اند، با تفریق مخالفین این دو شرط در هریک از دو گروه جامعه‌ی آماری مورد مطالعه (کارشناسان و افراد عادی)، مشاهده خواهد شد که بسیاری از مخالفین شرط ضرورت عرفی، به سبب موافقت با شرط هشداررسانی در مرحله‌ی بعدی تکمیل پرسش‌نامه و اظهارنظر در باب شرایط هشداررسانی مناسب و از جمله مشروعیت رفتار حضور داشته‌اند. با وجود این، باز هم تعداد واقعی مخالفین مشروعیت رفتار به میزان ۰ درصد و ۹ درصد، به ترتیب از کارشناسان و افراد عادی که در جدول شماره (۲) نمایش داده شده است، از تعداد مخالفین شرط ضرورت عرفی با نسبت ۱۹ درصد در مورد کارشناسان (با کسر ۳۲ درصد مخالفین شرط ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه از ۱۳ درصد مخالفین شرط هشداررسانی) و ۱۷ درصد در مورد افراد عادی (با کسر ۲۶ درصد مخالفین شرط ضرورت عرفی از ۹ درصد مخالفین شرط هشداررسانی) بسیار کمتر است؛ بنابراین با لحاظ سخنان فوق و با دقت نظر در بطن درصدهای مخالفین شروط مختلف که به تناسب در نمودارهای فوق ارائه گردیده، این ایراد نیز به راحتی قابل رد است.

۲-۲. مؤثر بودن هشدار؛

تقریباً تمامی فقها (اسدی حلی، ۱۴۲۰ هـ. ق.؛ ۵۳۴؛ ترجمینی عاملی، ۱۴۲۷ هـ. ق.؛ ۵۶۱) برای مؤثر بودن هشدار، به لزوم شنیدن هشدارگیرنده اشاره کرده‌اند ولی به انواع هشدار و چگونگی کاربرد آنها توجهی نکرده‌اند. فقط یکی از فقها (موسوی سبزواری، ۱۳۹۸ هـ. ق.؛ ۱۳۷) به صراحت، جواز کاربرد تمامی انواع هشدار را با کلمات «قولی یا کتبی یا عملی» صادر کرده است. در هر حال، باید توجه داشت که مؤثر بودن هشدار بسته به موقعیت زمانی و مکانی، متفاوت است (صبح-مشهدی، ۱۳۸۱: ۴۷) ولی با یک فرمول کلی، معیار قانونی، حسب مورد اولویت دارد؛ یعنی باید در هر مورد خاص با مراجعه به قانون مربوط ابزار مناسب و مؤثر تشخیص داده شود. معیار عرفی هم در بعضی موارد اهمیت دارد و در مواردی که آداب و رسوم و سنت‌ها رواج دارد معیار قانونی

و شخصی کارایی خود را با عرف تطبیق می‌دهد. باین وجود، مرجع قضائی با استفاده از این معیارها آخرین تمیزدهنده خواهد بود. به عبارت بهتر در صدور رأی، باید علم از طرق متعارف حاصل شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۱۶۶).

در این زمینه، یعنی میزان موافقت یا مخالفت با مؤثر بودن هشدار به عنوان یکی از اصول اطلاع-رسانی مناسب، از جامعه‌ی آماری مورد بحث، پرسش شده است که نتیجه در نمودار شماره (۲) مشاهده می‌شود. مطابق این نمودار درصد بسیاری از افراد در هر دو گروه کارشناسان و افراد عادی به ترتیب با نسبت ۹۶ درصد و ۹۵ درصد موافقت خود را با این شرط ابراز نموده‌اند.

انواع هشدار عبارت‌اند از:

الف) هشدار شنیداری: در روایت مذکور در قاعده‌ی تحذیر با آوردن واژه‌ی «حذار» به معنی «مواظب باش» یا «آگاه باش» یا «دور شو» هشدار شنیداری را بیان کرده است. هشدار شنیداری در قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ و آئین‌نامه‌ی اجرائی تبصره بند (۵) ماده (۳) این قانون مصوب ۱۳۸۱/۴/۳۰ بیشترین کاربرد را دارد (حاجی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

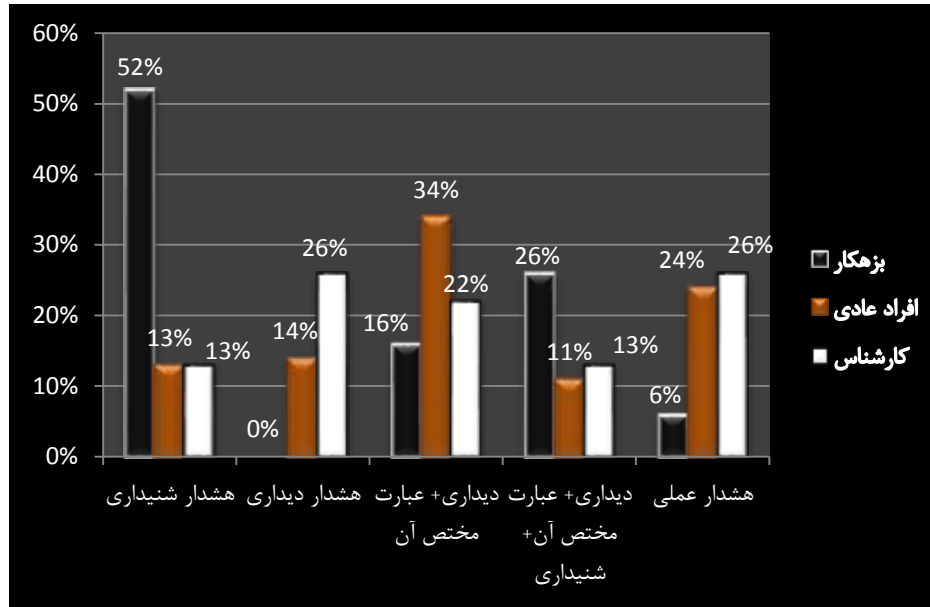
ب) هشدار دیداری: این نوع هشدار با نشان دادن و در معرض دید قرار دادن علامت یا نوشته‌ی هشدار در صورت می‌گیرد. شاید بتوان علائم راهنمایی و رانندگی و برای نمونه علامت سبقت ممنوع را از این نمونه‌ها یاد کرد و همچنین است برخی عبارات روی کالاهای مضر برای سلامتی مثل مواد دخانی.

نکته‌ی دیگر اینکه برای هشدار دیداری در بعضی موارد بهتر است علامت ویژه‌ی هشداردهنده با عبارات مختص آن همراه باشد تا تأثیر کافی برای مخاطبان حاصل گردد. برای مثال در کنار دکل‌های برق فشارقوی، تابلوهایی نصب می‌شوند که علاوه بر درج اسکلت سر و چهره‌ی انسان و دو استخوان به صورت ضربدر روی آن، ذیل آن عبارت «خطر برق گرفتگی» ذکر شده است (منصور، ۱۳۸۸: ۶۷۹) یا چنانچه از عبارت هشداردهنده بدون علائم خاص استفاده می‌شود لازم

است حداقل برای نگارش متن عبارات، رنگ‌های جالب توجه مانند رنگ قرمز به کار رود. به لحاظ اهمیت همین موضوع در تابلوهای راهنمایی و رانندگی که واجد وصف هشدار و اعلام خطر هستند از شبرنگ و رنگ‌های شب‌نما و پررنگ قرمز که نشانه‌ی خطر است استفاده می‌شود. همچنین موقعیت مکانی هشدار دیداری اهمیت زیادی دارد به طوری که باید بهترین مکان برای مشاهده‌ی سریع و راحت علامت یا عبارات اخباری انتخاب گردد. برای مثال نصب تابلوی «خطر برق گرفتگی» در ارتفاع بالای دکل‌های برق فشارقوی، باعث عدم آگاهی مخاطب و وقوع - حادثه‌ی برق گرفتگی می‌شود (حاجی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۷۳).

پ) هشدار عملی: منظور از هشدار عملی، انجام عمل هشداردهنده با علائم هشدار و اشیای بازدارنده ولی نه به صورت بازدارندگی مستقیم توسط شخص یا اشخاص است. به عنوان مثال، در انجام عملیات حفاری یا ترمیم معابر، خیابان‌ها، جاده‌ها و بزرگراه‌ها، افرادی که با قرار دادن اشیاء بازدارنده و با تکان دادن پرچم قرمز یا سفید یا زردرنگ یا تابلوی هشداردهنده در روز و انعکاس نور در شب، تغییر مسیر و دور شدن از منطقه‌ی خطر را متذکر می‌شوند از هشدار عملی استفاده می‌کنند و حتی ممکن است از هشدار شنیداری نیز استفاده کنند. در هر صورت هشدار عملی غالباً با علائم هشداردهنده مصداق می‌یابد به طوری که اگر هشداردهنده بخواهد با ایستادن در مدخل منطقه‌ی عملیاتی یا قبل از آن و تکان دادن دست، تذکر بدهد و از هیچ علامت و رنگ جالب توجه استفاده نکند هشدار مؤثر تلقی نمی‌شود (همان: ۱۹۵).

در رابطه با مؤثر بودن هشدار در حقوق انگلستان نیز، بعد از اشاره به هشدار دادن به عنوان یک عامل رافع مسئولیت از مالک، نسبت به افراد مأذون و متجاوز، این نکته مورد اشاره قرار می‌گیرد که در مسیر هشدار باید گام‌های منطقی برای جلب توجه و آگاهی افراد نسبت به هشدارها و اختطاریه‌های مذکور برداشته شود و محتوای اختطاریه‌ها و هشدارهای مزبور باید صریح و فاقد ابهام باشد به گونه‌ای که به طور کافی منشأ خطر را مشخص نماید (برمینگهام، ۱۳۸۸: ۱۵۶). در نمودار شماره (۳)، ارزش یا تأثیرگذاری هریک از این گونه‌های اطلاع‌رسانی از نظر سه دسته‌ی جامعه‌ی آماری ارزیابی گردیده‌اند:



نمودار شماره (۳): روش‌های اطلاع‌رسانی مناسب

همان‌طور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود، اکثریتی که با هریک از شیوه‌های اطلاع‌رسانی موافقت نموده‌اند، در مورد هریک از سه گروه جامعه‌ی آماری مورد مطالعه متفاوت است. برای مثال، اکثر کارشناسان با میزان ۲۶ درصد، موافقت خویش را با هشدارهای دیداری و عملی به-عنوان شیوه‌های هشداررسانی مناسب اعلام کرده‌اند. در مقابل، هشدار دیداری به‌همراه عبارت مختص آن، با میزان ۳۴ درصد، بیشترین سهم را در بین افراد عادی به خود اختصاص داده است. این در حالی است که اکثر بزه‌کاران با میزان ۵۲ درصد، هشدار شنیداری را بهترین نوع هشدار، جهت بازدارندگی خویش در ارتکاب جرم به‌شمار آورده‌اند. لذا براساس اعتقاد کارشناسان و افراد عادی، هشدارهای دیداری برای رفع مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از خسارات وارده به متجاوز، به سبب تعیینی ابزارهای پیشگیرانه مهلک مناسب است. با وجود این، بزهکاران، هشدار را جهت بازدارندگی خویش در صورت اعمال ابزارهای پیشگیرانه مناسب می‌دانند که شنیداری

باشد، مانند آژیرهای خطر ولی صرف به کاربردن علائم دیداری ولو با عبارت مختص آن، در نظر آنان نمی‌تواند چندان کارایی داشته باشد. چراکه بزه‌کاران در لحظه‌ی ارتکاب جرم تمام توجه خویش را، به انجام درست و دقیق عمل مجرمانه، پیگیری نقشه‌ی طراحی شده و هم‌زمان دستیابی سریع به هدف و آماج جرم، جلب می‌کنند تا بتوانند در کوتاه‌ترین زمان به هدف مورد نظر خویش نائل شوند. لذا معمولاً اطراف خود را که محل نصب علائم هشدار دیداری است، کانون توجه قرار نمی‌دهند.

همچنین ضمن تکمیل پرسش‌نامه‌ها با برخی از کارشناسان و مردم که با گزینه‌ی هشدار دیداری به‌اضافه‌ی عبارت مختص آن و به همراه هشدار شنیداری، به‌عنوان اطلاع‌رسانی مناسب موافق بودند، مصاحبه‌ای صورت گرفت. همه‌ی آنان بالاتفاق، بر این عقیده بودند که هشدار دیداری، به‌ویژه اگر به‌همراه عبارت مختص آن باشد، شیوه‌ی مناسبی است؛ اما باید دقت داشت که برخی از افراد به سبب قدرت بینایی نامناسبی که دارند، شاید نتوانند این علائم را مشاهده نمایند؛ بنابراین عدم مشاهده عملاً تأثیری در بازدارندگی بزه‌کاران بالقوه از ارتکاب جرم نخواهد داشت. درحالی‌که هدف موردنظر در تعبیه‌ی ابزارهای پیشگیرانه و هشداررسانی، مطلع نمودن بزه‌کار بالقوه است تا او از ارتکاب جرم منصرف شود.

به نظر می‌رسد که هشدار دیداری به‌همراه عبارت مختص آن، اگر با هشدار شنیداری جمع شود، یعنی اگر ضمن تعبیه علائم دیداری، آژیر خطر نیز نصب گردد، بهترین شیوه‌ی هشدار-رسانی در صورت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه مهلک محسوب می‌شود. چراکه از یک‌سو، به عقیده‌ی مردم و کارشناسان، هشدار دیداری جهت رفع مسئولیت ناشی از خسارات وارده، به سبب تعبیه‌ی ابزارهای پیشگیرانه مهلک کفایت می‌کند. از سوی دیگر، مطابق دیدگاه بزه‌کاران، هشدار - شنیداری، در بازدارندگی آنان تأثیر بیشتری نسبت به سایر شگردهای هشداررسانی دارد و این حالت با هدف اصلی اعمال ابزارهای پیشگیرانه مهلک و به‌طورکلی هر یک از شگردهای پیشگیری وضعی که بازدارندگی بزه‌کار بالقوه است هماهنگ‌تر به نظر می‌رسد.

هشدار عملی نیز اگرچه با درصدی برابر هشدار دیداری از سوی کارشناسان مناسب تشخیص داده شده؛ اما به جهت نیاز به حضور شخص به کاربرندهی این تجهیزات، آن گونه که در توضیح هشدار عملی اشاره شده، شیوهی مناسبی به نظر نمی‌رسد.

۲-۳. متناسب بودن هشدار با محل خطر؛

یکی از شرایط مهم برای اعمال قاعدهی تحذیر آن است که هشدار با خطر، محیط خطر و وسیلهی خطرناک متناسب باشد. برای این منظور لازم است مکان، زمان و موضوع خطر در نظر گرفته شود؛ زیرا هشدار در شب با هشدار در روز، هشدار در عملیات تخریب با هشدار در عملیات ورزشی متفاوت است. هشدار در خصوص خطرات منجر به مرگ با خطرات ساده و کم‌اهمیت فرق می‌کند. کیفیت هشدار برای مخاطبین عوام متفاوت از مخاطبین خاص و حرفه‌ای است. هشدار مؤثر محسوب می‌شود که در آن عوامل مکانی، زمانی، موضوع خطر، شدت آن و همچنین نوع مخاطبین در نظر گرفته شده و متناسب با آن عوامل صورت گیرد (صباح مشهدی، ۱۳۸۱: ۴۷).

نتیجه‌ی حاصل از مطالعه بر روی جامعه‌ی آماری مورد نظر و تهیه و تکمیل پرسش‌نامه‌ها در خصوص متناسب بودن هشدار به‌عنوان یکی از اصول اطلاع‌رسانی مناسب در نمودار شماره (۲) نمایش داده شده است. مطابق این نمودار، تعدادی بسیار بالا از کارشناسان (۱۰۰ درصد) و افراد عادی (۹۴ درصد)، موافقت خویش را با شرط متناسب بودن هشدار، به جهت معقول و منطقی بودن آن ابراز داشته‌اند.

۲-۴. وصول هشدار به مخاطبین؛

هدف اصلی از هشدار آن است که مخاطب یا مخاطبین، وضعیت خطرناک و موقعیت حادثه-ساز را دریافته و در پی دوری و گریز از آن باشند تا هم پیشگیری رخ دهد و هم به آسیب یا خسارت منجر نگردد. به همین خاطر در صورتی که هشداردهنده به‌طور کامل به تکالیف

هشداردهندگی خود و اطلاع‌رسانی‌اش عمل نموده، اما مخاطب یا مخاطبین به هر دلیل متوجه هشدار نگردیده باشند، غرض اصلی حاصل نشده و مانند آن است که اصلاً هشدار صورت نگرفته و ضمان باقی خواهد بود. همچنین اگر هشدار، دیداری و به صورت تابلوهای هشداردهنده و علائم اختطاری باشد، مخاطبین باید بتوانند آن‌ها را دیده و متوجه مضمون آن‌ها بشوند، بدین معنا که پیام و محتوای علامت هشداردهنده را به خوبی درک کرده و خطر را فهمیده باشد؛ زیرا صرف شنیدن یا دیدن علائم کافی به مقصود نیست بلکه درک معنا و مفهوم آن‌ها نیز شرط لازم برای رفع مسئولیت هشداردهنده است (صبح‌مشهدی، ۱۳۸: ۱۸؛ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ هـ. ق.: ۱۲۰؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ هـ. ق.: ۲۷۸).

از میان کارشناسان ۱۰۰ درصد و از بین افراد عادی حدود ۹۷ درصد (به نمودار شماره ۲ مراجعه شود)، موافق شرط وصول هشدار به عنوان یکی از اصول اطلاع‌رسانی مناسب به شمار می‌روند. میزان بالای موافقت با این شرط در میان هر دو گروه از جامعه‌ی آماری مورد نظر خود دال بر آن است که هدف اصلی از هشداررسانی، مطلع شدن و به زبان دیگر وصول هشدار به بزه کار بالقوه، جهت بازداشتن وی از ادامه‌ی ارتکاب بزه است تا به این منظور، جهت‌گیری کلی تکنیک‌های پیشگیری وضعی در راستای جلوگیری از ارتکاب جرم، محقق گردد.

۲-۵. دادن هشدار قبل از وقوع حادثه؛

شک نیست که هشدار باید قبل از وقوع حادثه به مخاطبان برسد یا توسط آنان دیده شود. وصول یا مشاهده پس از حادثه به مثابه‌ی عدم وجود هشدار خواهد بود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۱۶۵)؛ زیرا از طریق مطلع نمودن بزه کار بالقوه از وجود اقدامات پیشگیرانه، سعی می‌شود معادله‌ی عقلانی بزه کار برهم خورده و کفه‌ی مضرات حاصل از جرم در دید او سنگین تر جلوه نماید و از ارتکاب بزه بازداشته شود. درحالی که با اطلاع‌رسانی بعد از وقوع حادثه و تحقق جرم هیچ نوع پیشگیری حاصل نمی‌شود. به همین سبب، همان‌گونه که در نمودار شماره (۲) مشاهده می‌گردد

اکثریتی بسیار بالا، قریب ۱۰۰ درصد و ۹۵ درصد به ترتیب از میان کارشناسان و افراد عادی، موافقت خویش را با این شرط اظهار نموده‌اند.

۲-۶. عامد نبودن هشداردهنده در ایراد ضرر؛

در قاعده‌ی هشدار اولاً هشداردهنده نباید قاصد و عامد به ایراد صدمه و خسارت باشد (اصفهان‌فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ هـ ق: ۲۵۲) هرچند که ابتدائاً هشدار لازم را داده باشد، ثانیاً دریافت‌کننده علی‌رغم هشدار خود را وارد معرکه نماید، اعم از اینکه این اقدام او ناشی از عمد و یا تسامح باشد (سیدمهدی، ۸۴-۱۳۸۳: ۱۰۰). بر اساس پاسخ‌های ارائه‌شده توسط دو گروه کارشناسان و افراد عادی در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، میزان موافقت یا مخالفت هریک از این گروه‌ها با شرط عمدی نبودن اقدام هشداردهنده به‌عنوان یکی از اصول اطلاع‌رسانی مؤثر در نمودار شماره (۲) آمده است. اگرچه طبق این نمودار، تعداد موافقان شرط عمدی نبودن اقدام هشداردهنده در هر دو گروه جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، یعنی کارشناسان (۷۴ درصد) و افراد عادی (۶۹ درصد)، نسبت به میزان مخالفین به ترتیب بانسبت ۱۵ درصد و ۲۵ درصد بیشتر است؛ اما مخالفین این شرط نسبت به سایر شروط مقرر برای هشداررسانی که تا به اینجا اشاره شد، تعداد بیشتری را به‌خود اختصاص داده است. علت را شاید بتوان در این امر جست‌وجو نمود که اشخاص معتقدند، هنگامی که در برابر متجاوز و بزه‌کار بالقوه از ابزارهای پیشگیرانه مهلک استفاده نموده و در مقابل جهت آگاه نمودن و بازداشتن وی از ارتکاب جرم، اقدام به هشداررسانی مبنی بر استفاده از چنین ابزارهایی می‌نمایند دیگر به نظر تمامی اقدامات لازم را جهت رفع مسئولیت از خویش و آگاه نمودن بزه‌کار بالقوه انجام داده؛ حال می‌توان در راستای استفاده از ابزارهای پیشگیرانه مهلک کاملاً عامدانه و به‌قصد ایراد خسارت به بزه‌کار بالقوه اقدام نمود. مهم آن است که در ضمن استفاده از تکنیک‌های پیشگیرانه مهلک، ولو با قصد و هدف ایراد خسارت به متجاوز، اقدامات لازم را جهت آگاه نمودن وی انجام داد.

در نقد سخن فوق می‌توان اشاره نمود که هدف کلیه‌ی تکنیک‌های پیشگیری وضعی و از جمله تعبیه‌ی ابزارهای پیشگیرانه‌ی مهلک، بازداشتن بزه‌کار بالقوه از ارتکاب جرم است. این هدف، باید به‌عنوان قصد اصلی فرد در اعمال تمامی تکنیک‌های پیشگیری وضعی مورد لحاظ قرار گیرد. در غیراین صورت و چنانچه هدف فرد از به‌کاربردن ابزارهای پیشگیرانه‌ی مهلک به‌عنوان یکی از اقسام شگردهای پیشگیری وضعی، ایراد خسارت به جانی باشد، به سبب قصد فعل و نتیجه‌ای که شخص به‌کاربرنده در ایراد خسارت دارد، به استناد بند (الف)، (ب) و (ت) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به جنایت عمدی محکوم خواهد شد (میر-محمدصادقی، ۱۳۸۶: ۹۶؛ مرعشی‌شوشتری، ۱۴۲۷ هـ.ق.: ۱۰۴؛ موسوی‌خویی، ۱۳۹۶ هـ.ق.: ۹).

۲-۷. امکان گریز از خطر برای هشدارگیرنده؛

برای رفع مسئولیت، بسیاری از فقها (نجفی کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۳ هـ.ق.: ۸۵؛ اسدی‌حلی، ۱۴۱۳ هـ.ق.: ۶۵۲؛ عاملی (شهیداول) ۱۴۱۴ هـ.ق.: ۴۵۳؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ هـ.ق.: ۷۱) امکان گریز از خطر برای هشدارگیرنده را به‌همراه شنیدن هشدار توسط وی یا مؤثر بودن هشدار، ضروری می‌دانند و با آوردن عباراتی مانند «کان متمکناً من العدو و لم يعدل»، «کان متمکناً من حفظ نفسه فلم يفعل»، «لم يعدل مع إمكانه»، «کان متمکناً من العدو»، «اشترطوا سماع الحذار للمجنی علیه فی وقت یتمکن منها» و نظایر آن به ضرورت «امکان گریز از خطر توسط هشدارگیرنده» تأکید کرده‌اند.

یکی از فقها (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۱ هـ.ق.: ۲۴۴-۲۴۳)، رعایت نکات زیر را برای این شرط لازم می‌داند:

- الف) مخاطب زمان کافی جهت گریز از صحنه‌ی خطر را داشته باشد.
- ب) توانایی و قدرت جسمی لازم را برای دور شدن از صحنه را داشته باشد.
- ج) شرایط محیط و اوضاع و احوال صحنه اجازه‌ی دور شدن را به وی بدهند.

لذا در صورت فقدان هر یک از شرایط فوق ضامن جانی همچنان باقی است؛ یعنی چنانچه فاصله‌ی زمانی هشدار بر حذردارنده و عمل او مثلاً ده ثانیه باشد و لکن مدت زمان لازم برای دور شدن از صحنه بیست ثانیه باشد و بدین لحاظ از ناحیه‌ی جانی صدمه‌ای بر مجنی علیه وارد آید ضامن است. یا اینکه فرد مخاطب توانایی جسمی لازم را برای فرار حتی پس از شنیدن اعلام خطر نداشته باشد. چنانچه مخاطب مثلاً فردی فلج باشد یا پایش شکسته و در گنج به نحوی که به زحمت حرکت می‌کند؛ باز چون امکان فرار ندارد جانی ضامن است. همچنان که اگر موانع موجود بر سر راه مخاطب مانع فرار او باشد ولو آن که هشداردهنده، هشدار خود را داده و به سمع مخاطب هم رسیده باشد به دلیل اینکه امکان فرار برای وی نیست جانی ضامن است. چنانچه مثلاً هشداردهنده قصد پرتاب تیری دارد و «حذار» می‌گوید و مخاطب او قصد فرار دارد، لکن از یک طرف سگ درنده‌ای با پارس کردن مانع فرار اوست و طرف دیگر او نهر بزرگ و پرآبی است که آب با شتاب زیاد در حال حرکت است و هیچ راه فرار دیگری برای او نیست و به قول معروف راه پس و پیش ندارد.

لزوم «بالغ و عاقل بودن هشدارگیرنده» هم جزئی از شرط «امکان‌گریز از خطر» برای وی می‌باشد؛ زیرا مخاطبی که به علت نرسیدن به سن بلوغ یا جنون، هشدار را تشخیص نمی‌دهد گریز از منطقه‌ی خطر هم برای او مفهومی نداشته و عقلاً امکان آن برایش وجود ندارد و شاید به همین دلیل در کشف اللثام به این موارد اشاره شده است (اصفهان‌ی فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ هـ.ق.: ۲۵۲).

در مورد شرط بالغ بودن هشدارگیرنده به غیر از فاضل‌هندی کسانی مانند صاحب جواهر، موضوع را تشریح کرده، عقیده دارند؛ اگر کودک غیرممیز خودش و نه به همراه کسی به محل تیراندازی بیاید در صورت علم تیرانداز قصاص می‌شود و در غیر این صورت، دیه بر عهده‌ی عاقله‌اش می‌باشد، حتی اگر هشدار داده باشد؛ زیرا کودک غیرممیز هشدار را درک نمی‌کند؛ اما هنگامی که کودک ممیز باشد هشدار را درک می‌کند و به خصوص با وجود اطلاق در کلام

همانند بالغ محسوب می‌شود (نجفی [صاحب جواهر]، ۱۴۰۴: ۷۰-۶۹؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۰ هـ ق.: ۲۸۳؛ جمعی از نویسندگان زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ هـ ق.: ۵۸۵).

در حقوق انگلستان نیز بعد از اشاره به هشدار دادن برای رفع مسئولیت، این مسأله مطرح شده که در رابطه با کودکان یک مشکل وجود دارد و آن این است که کودکان یا امکان درک خطر و یا توانایی خواندن را ندارند. حال اگر ساکن دلیلی برای پیش‌بینی وجود یک کودک متجاوز دارد باید مانعی را نصب کند که خود مانع باعث ایجاد خطر نشود. به همین علت است که گفته می‌شود هشدار می‌باید به یک کودک نسبت به بزرگسال داده شود، خصوصاً در مواردی که منشأ خطر دارای جذابیت ظاهری است، متفاوت باشد (Cooke, 2001: 173).

در خصوص شرط عاقل بودن هشدارگیرنده، به‌جز فاضل‌هندی که به این شرط اشاره کرده، معدود فقهای مانند حسینی شیرازی این شرط را تشریح و تأیید کرده‌اند و اکثر فقها، وضعیت شخص دیوانه را در قاعده مانند کودک غیرممیز، متذکر نشده‌اند. آقای حسینی شیرازی با استدلال از مطالب فاضل‌هندی نتیجه گرفته، بنا به ظاهر، حکم دیوانه‌ای که خودش را در معرض تیر قرار می‌دهد مانند حکم کودک غیرممیز است و مسئولیت تیرانداز به قوت خود باقی است چه هشدار بدهد و چه هشدار ندهد (حسینی شیرازی، ۱۴۰۷ هـ ق.: ۱۱۲). با این وصف به نظر می‌رسد عقیده‌ی آقایان فاضل‌هندی و سید محمود حسینی شیرازی صحیح‌تر و جامع‌تر باشد.

باید دانست سایر فقهای که در این موارد اظهار نظر نکرده‌اند دلیل بر مخالفت آن‌ها با این شرایط نیست و تحقیقاً کلیات مباحث مورد اشاره را قبول دارند، چه‌بسا به دلیل بدیهی بودن موضوع و تطبیق بسیاری از مطالب با قواعد عمومی، از بیان آن اجتناب کرده‌اند (حاجی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

با توجه به مطالب ذکر شده، اقداماتی که در قالب پیشگیری وضعی برای محافظت از منازل یا املاک استفاده می‌شود و البته خطرناک نیز هستند، نباید به گونه‌ای باشد که اشخاص غیرممیز همچون صغیر غیرممیز یا مجنون را در معرض خطر قرار دهد؛ زیرا برای موجه دانستن تدابیر مربوط

به پیشگیری وضعی خطر ساز علاوه بر اینکه باید اقدامات متعارف باشند، لزوم هشداررسانی مؤثر و وصول هشدار به مخاطب نیز یکی دیگر از شرایط لازم برای پیشگیری وضعی می‌باشد. طبق گفته‌های فوق هر نوع هشدار نیز مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد؛ هشدار می‌باشد که مدنظر است، هشدار است که بزه کار احتمالی مفاهیم این هشدارها را درک کنند و با دریافت مفهوم این هشدارها، خطر ارتکاب جرم را نسبت به مزایای آن در یک محاسبه عقلانی که نزد خود انجام می‌دهند، بالاتر دیده و سپس از رفتن به سمت ارتکاب جرم بازداشته شوند.

برای مثال شخصی که صاحب یک مغازه‌ی مواد خوراکی است و از این امر نیز مطلع است که کودکانی از قسمت ورودی مغازه‌ی او اقدام به ربودن یک سری از تنقلات می‌نمایند برای اینکه جلوی کودکان را بگیرد اقدام به تعبیه‌ی کابل برق در قسمت ورودی، در کنار این تنقلات می‌نماید. برفرض اینکه چنین اقدامی متعارف باشد و هشدار نیز از جانب او صورت گرفته باشد، ولی چون معمولاً ربایندگان این کالاها کودکان و به ویژه کودکان غیرمتمیز هستند و هشدار برای آنها معنا و مفهومی ندارد، لذا شرایط دیگر یعنی دادن هشدار مؤثر و وصول هشدار به مخاطبین در واقع امر محقق نگردیده و بهانه‌ی مشروعیت پیشگیری وضعی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

به هر حال در رابطه با مسئله‌ی مورد نظر؛ یعنی میزان موافقت و مخالفت با شرط امکان گریز از خطر برای هشدارگیرنده، در گروه کارشناسان و افراد عادی از جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، پرسش صورت گرفت که نتیجه‌ی پاسخ آن‌ها در نمودار شماره (۲) آمده است.

با وجود اینکه تفاوت میان درصد مخالفین، در بین دو گروه کارشناسان و افراد عادی، در ارتباط با شروط مقرر شده برای هشداررسانی مناسب تا به این قسمت بسیار اندک و ناچیز بوده؛ اما این مسئله در مورد شرط امکان گریز از خطر برای هشدارگیرنده، صدق نمی‌کند. همان‌طور که در نمودار شماره (۲) مشاهده می‌شود، تفاوت درصد مخالفین این شرط، در میان دو گروه مورد مطالعه از جامعه‌ی آماری مورد نظر، یعنی کارشناسان و افراد عادی به ترتیب بانهست ۴ درصد و ۳۶ درصد، بسیار زیاد است. شاید بتوان علت این تفاوت فاحش را عدم برداشت و فهم درست از

شرط امکان گریز از خطر، به‌عنوان یکی از اصول هشداررسانی مناسب از سوی پاسخ‌دهندگان تلقی نمود.

در حقیقت، کارشناسان در هنگام تکمیل پرسش‌نامه، متوجه این قضیه بوده‌اند که در صورت اتخاذ ابزارهای پیشگیرانه‌ی مهلک و اطلاع‌رسانی بر وجود چنین ابزارهایی، باید امکان فرار از گرفتار شدن در دام تله‌های مرگبار برای بزه‌کار بالقوه وجود داشته باشد. در غیراین صورت و چنانچه تکنیک‌های پیشگیرانه مهلک به‌گونه‌ای تعبیه‌شده باشند که باوجود هشداررسانی و آگاهی بزه‌کار بالقوه از وجود این ابزارهای مهلک و سپس قصد او برای فرار نمودن، هیچ امکان گریزی برای وی موجود نباشد، درواقع هشداررسانی موجب رفع ضمان نخواهد بود؛ زیرا هدف از هشدار رسانی، مطلع نمودن بزه‌کار بالقوه از وجود ابزارهای پیشگیرانه‌ی مهلک و سپس بازداشتن وی از ارتکاب جرم است، نه اینکه او عمداً گرفتار دام‌های مرگبار شده و به هلاکت برسد. به همین سبب مشاهده می‌گردد، تنها نسبت بسیار اندکی (۴ درصد) از کارشناسان، مخالفت خویش را با شرط امکان گریز از خطر ابراز داشته‌اند.

در مقابل، تعداد زیادی از اشخاص عادی (۳۶ درصد) با شرط فوق مخالفت نموده‌اند. علت امر به نظر می‌رسد، فهم اشتباه و نادرست از اثر دوگانه‌ی تکنیک‌های پیشگیری وضعی در حیطه‌ی علم جرم‌شناسی و جرم‌یابی باشد. اثر موردنظر تکنیک‌های پیشگیری وضعی در حیطه‌ی علم جرم‌شناسی و هدف اصلی آن، حمایت و حفاظت از آماج جرم است که از طریق ایجاد موانع میان بزه‌کار و بزه‌دیده، باعث کاهش انگیزه‌ی ارتکاب جرم می‌شود. این موانع هم موانع انسانی را، نظیر عوامل امنیتی و هم موانع مادی را، مانند دوربین مداربسته، شامل می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، با بستن راه‌های دستیابی مرتکب به موضوع جرم یا بزه‌دیده و افزایش زحمت و خطر برای مرتکب، از جرم‌پیشگیری می‌شود (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۸). ازسوی‌دیگر، تکنیک‌های پیشگیری وضعی در علم جرم‌یابی و از حیث کشف و دستگیری مرتکبان نیز به‌خدمت گرفته می‌شوند (خانعلی‌پور و آجارگاه و آقا بابایی، ۱۳۸۹: ۲۴۱).



برای مثال، در حال حاضر، استفاده از دوربین‌های مدار بسته را می‌توان یکی از روش‌های نظارت در پیشگیری وضعی دانست که هدف از کاربرد آن‌ها کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های جرم‌زا برای ارتکاب جرم است (قاسمی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹۹). از طرفی، وقتی از دوربین‌های مدار بسته استفاده می‌شود، داده‌های ذخیره شده‌ی آن را، می‌توان جهت شناسایی و دستگیری بزه‌کاران نیز به کار بست (نوروزی، ۱۳۸۷: ۲۰).

حال بسیاری از اشخاص عادی که با شرط امکان‌گریز مخالفت نموده‌اند، شاید به سبب تصور اشتباه آنان در مورد کارایی تکنیک‌های پیشگیری وضعی در علم جرم‌یابی باشد. این مسئله؛ یعنی تأثیر جانبی و مثبت برخی از تکنیک‌های پیشگیری وضعی در شناسایی و دستگیری بزه‌کاران، حقیقتی انکارناپذیر است؛ اما باید توجه داشت منظور از امکان‌گریز که به عنوان یکی از شروط هشداررسانی مناسب ارائه گردیده، به این تأثیر جانبی ناشی از به‌کارگیری وسایل پیشگیری وضعی بازمی‌گردد. در حقیقت، تکنیک‌های پیشگیری وضعی، همانند دوربین‌های مدار بسته، در ابتدا به دنبال اجرای اثر و هدف اصلی خویش یعنی جلوگیری از ارتکاب جرم هستند؛ اما اگر به هر دلیلی، بزه‌کار بالقوه تحت تأثیر این وسایل پیشگیرانه از ارتکاب جرم مورد نظر خویش منصرف نشد و آن را مرتکب شد، از این وسایل در راستای شناسایی و دستگیری مجرم می‌توان استفاده نمود.

برآمد؛

در صورتی که اصل اقدامات پیشگیرانه با اصول و قواعد قانونی و عرفی هماهنگ بوده و به اصطلاح مشروعیت داشته باشد، یکی از شروط مهم و پرکاربرد در قلمروی آن اصل «هشدار یا اطلاع-رسانی» به افراد است. به موجب این اصل هر کس قبل از اقدام به عملیات پیشگیرانه خطرناک و مهلک به سایرین هشدار دهد، معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. در خصوص مبنا و دلیل این اصل ادله‌ی فراوانی طرح گردید. نخست اشاره شد مالک بر اساس «قاعده‌ی تحذیر» در صورت به‌کاربردن وسایل خطرناک اما مشروع و قانونی که در قالب پیشگیری وضعی برای

حفاظت از منازل یا هر جای دیگر استفاده می‌شود، موظف به هشدار و اطلاع‌رسانی است. دیگر مبنای توجه‌کننده‌ی شرط «ضرورت اطلاع‌رسانی» بر اساس اصول و راهکارهای پیشگیری وضعی است؛ زیرا هدف اصلی پیشگیری وضعی مطلع شدن بزه‌کار احتمالی از وجود تدابیر و تجهیزات حفاظتی است تا در محاسبه‌ی عقلانی که انجام می‌دهد خطر ارتکاب جرم به واسطه‌ی این تدابیر نسبت به سود حاصل از جرم در دید او بیشتر آید و در مسیر ارتکاب جرم حرکت نکند، لذا چنانچه اطلاع‌رسانی در مورد استفاده از این گونه تجهیزات حفاظتی صورت نگیرد عملاً فایده و علت اصلی پیشگیری وضعی زیر سؤال می‌رود. بر اساس قواعد حقوق بشر نیز اطلاع‌رسانی در صورت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه‌ی مهلک لازم و ضروری است؛ زیرا زمانی که اقدامات راجع به تأمین امنیت و پیشگیری، خلاف اصول حقوق بشر باشد و احساس بی‌عدالتی را برانگیزد، تأثیر عکس خواهد گذاشت.

برای آن که بتوان پذیرفت اطلاع‌رسانی در مورد اقدامات مربوط به پیشگیری وضعی به شکل صحیحی انجام شده و در نتیجه هشداردهنده مسئولیتی ندارد، لازم است شروطی فراهم باشد. در این راستا به شروطی چون مشروعیت رفتار، متناسب بودن هشدار با محل خطر، دادن هشدار قبل از وقوع حادثه و امکان گریز از خطر برای هشدارگیرنده اشاره شد.

بر همین اساس و به دلیل رواج به کارگیری انواع اقدامات پیشگیرانه ضروری است دولت و قانون‌گذاران در این زمینه اقدام لازم را جهت روشن شدن تکلیف شهروندان به عمل آورند. در همین راستا، ماده‌ی واحده‌ی ذیل می‌تواند به عنوان نمونه‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

ماده‌ی واحده - هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی، به منظور پیشگیری از جرم نسبت به خویش و اموال یا دارایی‌های منقول یا غیرمنقول خویش در برابر هر گونه خطر عقلایی یا عرفی، با رعایت مراتب پیشگیری مباشرتاً یا توسط دیگری اقدام یا رفتاری کند که ضرر مادی یا غیرمادی و صدمات جانی حتی مرگ به متعرض وارد نماید با جمع شرایط زیر قابل تعقیب حقوقی یا کیفری نیست:

الف- اقدامات پیشگیرانه برای دفع تجاوز یا خطر محتمل الوقوع عرفاً قابل توجیه و پذیرش باشد.

- ب- در صورت تعبیه‌ی وسایل پیشگیرانه‌ی خطرناک، هشداررسانی مناسب صورت پذیرد.
- تبصره ۱- در هشداررسانی مناسب ضرورت دارد که نوع هشدار عرفاً متناسب با محل و خطر انتخاب شود، هشدار قبل از وقوع حادثه صورت گرفته و امکان وصول آن به متجاوز بالقوه و سپس امکان گریز از خطر ناشی از وسایل پیشگیرانه برای هشدارگیرنده، وجود داشته باشد.
- تبصره ۲- نصب و راه‌اندازی امکانات و لوازم پیشگیرانه برای دیگران اعم از اینکه با اجرت یا بدون آن ولی با اذن شخص یا به درخواست وی صورت گیرد و نیز در مواردی که اقدام‌کننده قانوناً در این مورد تکلیفی داشته باشد با وجود شرایط پیش گفته بلامانع است.
- تبصره ۳- در صورت وجود دلیل قوی بر عدم رعایت شرایط، اثبات رعایت شرایط پیشگیری وضعی و هشداررسانی مناسب و مؤثر برعهده‌ی کاربرنده‌ی تجهیزات پیشگیرانه است.
- تبصره ۴- در مواردی که رعایت برخی شرایط نشده باشد، صرفاً ضمان مالی و دیه ثابت است.
- تبصره ۵- تله‌گذاری به‌منظور ایراد ضرر یا جنایت به اشخاص حتی به‌بهانه‌ی پیشگیری از جرم، در صورت اثبات قصد اقدام‌کننده، از موارد فوق مستثنی است.

منابع؛

- ابراهیمی، شهرام، (۱۳۸۴)، «کنگره‌های پنج‌ساله پیشگیری از جرم و عدالت کیفری: دستاوردها و دورنماها»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳-۵۲: صص ۳۴۷-۳۵۵.
- ابراهیمی (الف)، شهرام، (۱۳۹۰) دوازدهمین کنگره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری: راهبردهای جهانی برای مقابله با چالش‌های جهانی، جرم‌شناسی پیشگیری، پیش‌شماره ۱.
- ابراهیمی، شهرام، (۱۳۷۸)، پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، رساله دکتری رشته‌ی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ابراهیمی، شهرام و رجیبی، ابراهیم، (۱۳۸۹)، «پیشگیری در نظریه‌های جرم‌شناسی و گستره‌ی محدودیت‌های آن»، مجله آموزه‌های حقوقی، شماره ۱۳: صص ۱۷۲-۱۴۷.
- ابراهیمی (ب)، شهرام، (۱۳۹۰)، جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- ابن‌براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز، (۱۴۰۰ هـ ق.)، المهنذب، جلد دوم، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابوجعفر کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۲۹ هـ ق.)، الکافی، جلد ۱۴، چاپ اول، قم: نشر دارالحدیث للطباعه و النشر.
- ادريس، عوض احمد، (۱۳۷۴)، ديه، ترجمه علیرضا فیض، جلد دوم، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- اسدی حلی، علامه حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ هـ ق.)، قواعد الأحكام فی معرفه الحلال والحرام، جلد سوم، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اسدی حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ هـ ق.)، تحریر الأحكام الشریعه علی مذهب الإمامیه، جلد پنجم، چاپ اول، قم: نشر مؤسسه امام صادق (ع).

- اصفهانی فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ هـ ق.)، *كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام*، جلد ۱۱، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بابایی، محمد علی؛ نجیبیان، علی، (۱۳۷۵)، «چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم»، *مجله حقوقی - دادگستری*، شماره ۷۵، سال ۷۵: صص ۱۷۲-۱۴۷.
- برمی‌نگهام، ورا، (۱۳۸۸)، *شبه جرم و مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان*، ترجمه سید مهدی - موسوی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- تبریزی، حاج شیخ میرزا جواد، (۱۳۷۸)، *استفتائات جدید*، چاپ اول، قم: انتشارات سرور.
- ترحینی عاملی، محمد حسین، (۱۴۲۷ هـ ق.)، *الزبدہ الفقہیہ فی شرح اللعہ الدمشقیہ*، جلد ۹، چاپ چهارم، قم: نشر دارالفقہ للطباعه و النشر.
- جمعی از نویسندگان زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، (۱۴۱۷ هـ ق.)، *معجم فقه الجواهر*، جلد دوم، چاپ اول، بیروت: انتشارات الغدیر للطباعه و النشر و التوزیع.
- حاجی زاده، حمیدرضا، (۱۳۸۵)، *قاعده‌ی تحذیر و نقش آن در رفع مسئولیت کیفری*، چاپ اول، تهران: انتشارات خط سوم.
- حائری طباطبایی، علی بن محمد، (۱۴۱۸ هـ ق.)، *ریاض المسائل*، جلد ۱۳، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- حرّ عاملی، محمد بن حسین، (۱۴۰۹ هـ ق.)، *تفصیل الوسائل الشریعہ*، جلد ۲۹، چاپ اول، قم: نشر مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- حسینی شیرازی، محمد، (۱۴۰۷ هـ ق.)، *الفقه*، جلد ۹۰، چاپ ششم، بیروت: انتشارات دارالعلوم، بیروت.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، (۱۴۱۰ هـ ق.)، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، جلد دهم، چاپ اول، بیروت: انتشارات دار إحياء التراث العرب.

- خانعلی پور واجارگاه، سکینه؛ آقابابایی، حسین، (۱۳۸۹)، «مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم از منظر فناوری اطلاعات و ارتباطات»، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم: صص ۲۵۴-۲۲۱.
- خلعتبری، عبدالحسین؛ خوش‌زاد، رضا؛ احمدی، احمدرضا، (۱۳۸۴)، *سرفت‌های مسلحانه و به عنف، با رویکرد پلیسی-کارآگاهی از دیدگاه جرم‌شناسی و حقوقی*، تهران: کتاب‌سرای تندیس.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل، (۱۳۸۸)، *جرم‌شناسی*، تبریز: انتشارات فروزش.
- سلیمی، مجید، (۱۳۸۷)، «طراحی و ساخت مقیاس مجموع نمرات لیکرت با رویکرد پژوهشی در مدیریت»، مجله دانش مدیریت، دوره ۲۱، شماره ۸۰: صص ۴۰-۶۱.
- سید مهدی، زهرا، (۱۳۸۴-۱۳۸۳)، *بررسی فقهی قاعده‌ی تحذیر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- شفیعی، محمد، (۱۳۸۲)، «انتخاب عقلانی و تفسیر موقعیتی جرم»، در مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم.
- صانعی، حاج شیخ یوسف، (۱۳۷۶)، *مجمع‌المسائل*، جلد دوم، چاپ یازدهم، قم: انتشارات میثم تمار.
- صباح‌مشهدی، حمید، (۱۳۸۵)، «بررسی و تبیین قاعده‌ی تحذیر»، ماهنامه دادرسی، شماره ۶۰، سال دهم: صص ۱۹-۱۳.
- صباح‌مشهدی، حمید، *بررسی فقهی-حقوقی قاعده تحذیر با رویکردی به نظرات امام خمینی (ره)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، اسفند ۱۳۸۱.
- صفاری، علی، (۱۳۸۰)، «مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴: صص ۲۶۷-۳۲۲.

- صفاری، علی (۱۳۹۱)، «انتقادات وارده بر پیشگیری وضعی»، در مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفر-شناسی، مؤلف و مترجم: علی صفاری، انتشارات جنگل: صص ۲۳۳-۱۹۳.
- صفاری، علی؛ صابری، راضیه، (۱۳۹۲)، «نقد عدم تحدید حق پیشگیری وضعی در پرتو قواعد فقهی و حقوقی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۴، سال هیجدهم: صص ۱۳۰-۱۰۳.
- صفاری، علی؛ صابری، راضیه، (۱۳۹۳)، «ضوابط حقوقی-جرم‌شناختی پیشگیری وضعی از جرم»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۸: صص ۱۸۰-۱۴۵.
- طباطبایی، آقا حسین، (۱۴۲۹ هـ.ق.)، جامع‌احادیث‌الشیعه، جلد ۳۱، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، (۱۴۱۴ هـ.ق.)، غایه المراد فی شرح نکت الایرشاد، جلد چهارم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۰ هـ.ق.)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، جلد اول، قم: انتشارات کتاب‌فروشی داور.
- علیان‌نژادی، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، استفتائات جدید مرجع عالی‌قدر حضرت آیه العظمی مکارم - شیرازی، جلد سوم، چاپ دوم، قم: انتشارات مدرسه‌الامام علی بن ابی طالب.
- فلّاح، مهدی، (۱۳۸۵)، «قاعده تحذیر در رویکرد فقهی و حقوقی»، نشریه معرفت، شماره ۱۰۶: صص ۴۷-۵۴.
- قاسمی‌مقدم، حسن، (۱۳۸۸)، «رویکرد مدیریت خطر در پیشگیری از تکرار جرم، در: پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا: صص ۲۱۰-۱۸۷.
- قیاسی، جلال‌الدین، (۱۳۹۰)، تسبیب در قوانین کیفری، تهران: انتشارات جنگل.
- کلارک، رونالدوی؛ اک، جان، (۱۳۸۸)، جرم‌شناسی پیشگیری (۶۰ رویه و راهکار برای پیشگیری از جرم)، ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقی‌زاده، تهران: انتشارات زرد.
- کی‌نیا، مهدی، میان‌جرم‌شناسی، چاپ نهم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.

- گزارش خبری-تحلیلی پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی، سال اول، شماره سوم، مردادماه ۱۳۹۰.
- گسن، رمون، «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند-آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰-۱۹، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، بهار تا پاییز ۷۶.
- گسن، ریموند، (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی*، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: چاپخانه علامه طباطبایی.
- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۷۱)، «قاعده تحذیر نقش هشدار در رفع مسئولیت»، مجله حقوقی - دادگستری، شماره ۵: صص ۲۴-۵.
- محقق داماد یزدی، مصطفی، (۱۴۰۱ هـ ق.)، *قواعد فقه*، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- مدنی کاشانی، حاج آقارضا (۱۴۰۸ هـ ق.)، *کتاب‌الدیات*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مرعشی شوشتری، محمدحسن، (۱۴۲۷ هـ ق.)، *دیدگاه‌های نو در حقوق*، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- ملک جعفریان، ملیحه؛ کرمی، راضیه، برآورد حجم نمونه در مطالعات پژوهشی، بهمن ماه ۱۳۹۲: (قابل دسترس در سایت <http://isn.moe.gov.ir>)
- منصور، جهانگیر، (۱۳۸۸)، *مجموعه قوانین و مقررات شهرداری*، چاپ چهارم، تهران: نشر دوران.
- موسوی بجنوردی، (۱۳۷۹)، محمد، *قواعد فقه*، چاپ سوم، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، تهران.
- موسوی خویی، ابوالقاسم، (۱۳۹۶ هـ ق.)، *مبانی تکمله‌المنهاج*، جلد ۴۲ موسوعه، چاپ دوم، قم: انتشارات حوزه علمیه قم.
- موسوی سبزواری، (۱۳۹۸ هـ ق.)، *عبدالاعلی، مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، جلد ۲۹، چاپ اول، نجف اشرف: انتشارات دار التفسیر.

- میر محمدصادقی، حسین، (۱۳۸۶)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن، (۱۴۰۴ هـ ق.)، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد ۴۳، چاپ هفتم، بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.
- نجفی کاشف الغطاء، احمد بن علی بن محمد رضا، (۱۴۲۳ هـ ق.)، *سفینه النجاه و مشکاه الهمدی و مصباح السعادت*، جلد سوم، نجف اشرف: انتشارات موسسه کاشف الغطاء.
- نوربها، رضا، (۱۳۸۶)، *زمینه جرم شناسی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- نوروزی، حمید، (۳ دی ۱۳۸۷)، «تکنولوژی، پیشگیری و کاهش جرایم»، روزنامه رسالت.
- هون، تن کین، (۱۳۸۵)، «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»، ترجمه علی سلطانی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، فصلنامه شماره ۱: صص ۳۴۴-۳۵۶.

- Clark, R.V.G. (1992). "Situational Crime Prevention: Successful case Studies", reprinted and modified in 1997, New York: Harrow & Heston Publishers.
- Cornish, D. B & Clark, (1986). "Situational Prevention: Displacement of Crime and Rational Choice Theory", in Heal & Laycock, *Situational Crime Prevention: From Theory into Practice*, London: HMSO.
- Cooke, John, (2001), *Law of tort*, Fifth Edition, England: Longman Publishing.
- Heal & Laycock, (1998). "The Development of Crime Prevention: Issues & Limmitation", in Hope & Shaw, *Communities and Crime Reduction*, London: HNSO.
- Gardner, J. Thomas; Anderson, M. Terry, (2009). *Criminal Law*, Tenth Edition, Thomson Publishing.